

## Quran and Hadith Studies

Bi-quarterly Journal of Quran and Hadith Studies, Research Article,

Vol. 15, No. 2, (Serial. 30), Summer 2022

<https://ghs.journals.isu.ac.ir>

### A Re-examination of the Revelation Occasion of the Quranic Verse al-Rijal Qawwamun (4:34) on the base of Isnad-cum-Matn Analysis Methodology

DOI: 10.30497/qhs.2022.240496.3247

[https://ghs.journals.isu.ac.ir/article\\_76069.html?lang=en](https://ghs.journals.isu.ac.ir/article_76069.html?lang=en)

Mojgan Ahangar Davoodi \*

Nahid Hoseinnataj \*\*

Fathiyeh Fattahizadeh \*\*\*

Received: 14/02/2021

Accepted: 27/08/2021

#### Abstract

Verse 34 of surah An-Nisa, especially in two parts; men's supporting or in charging of women, and proposed Quranic three steps to facing women disobedience, has been especially considered by Islamic commentators and scholars. There is a tradition that many commentators have interpreted concepts such as "qawwamun" and "idribuhunna" in the verse according to it. In this paper, different versions of this tradition have been examined using the Isnad-cum-matn analysis method. The results of this study show that the wording of this tradition is late and the earliest version belongs to the late first century and is by Hassan Basri. The subject of the earlier commentators in expressing this tradition is the issue of retaliation of couples, the analysis of which depends on the concept of "qawwamun". The analyses show that this retaliation is not related to the discussion of "idribuhunna" and approving or denying of the beating of women. It seems that this retaliation cannot be used as a basis in the analysis of verse 34 of An-Nisa. Also, according to other traditions that referred to the concept of "qawwamun", it seems that the word "râ" is synonymous with "qawwam" meaning "protection".

**Keywords:** *Critique of Hadith, verse 34 of Nisa, the strength of men, critical analysis, method of document-text analysis.*

---

\* M.Sc. Student of History, University of Tehran and Researcher in Poyafekr Research Group, Tehran, Iran. (Corresponding Author) [mjdavoodi@gmail.com](mailto:mjdavoodi@gmail.com)

\*\* PhD student in Quran and Hadith, Alzahra University, and Researcher in Poyafekr Research Group, Tehran, Iran. [nahidnataj@yahoo.com](mailto:nahidnataj@yahoo.com)

\*\*\* Professor, Department of Quranic Studies and Hadith, Faculty of Theology and Islamic Studies, Alzahra University, Tehran, Iran. [f\\_fattahizadeh@alzahra.ac.ir](mailto:f_fattahizadeh@alzahra.ac.ir)

دوفصلنامه علمی «مطالعات قرآن و حدیث»، سال ۱۵، شماره ۲، پیاپی ۳۰،

بهار و تابستان ۱۴۰۱، صص ۱۱۳-۱۴۵

مقاله علمی - پژوهشی

## بازخوانی روایت سبب نزول آیه قوامیت مردان (نساء: ۳۴)

با تکیه بر روش تحلیل اسناد - متن

DOI: 10.30497/qhs.2022.240496.3247

[https://qhs.journals.isu.ac.ir/article\\_76069.html](https://qhs.journals.isu.ac.ir/article_76069.html)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۵

مقاله برای اصلاح به مدت ۱۹ روز نزد نویسندگان بوده است.

مؤگان آهنگر داودی\*

ناهید حسین نتاج\*\*

فتحیه فتاحی زاده\*\*\*

### چکیده

آیه ۳۴ سوره نساء با توجه به اینکه مباحث مربوط به قوامیت مرد برای زن و نیز راهکارهای مواجهه با نشوز زن در آن مطرح شده است، بطور ویژه‌ای مورد توجه مفسران و عالمان اسلامی بوده است. روایتی وجود دارد که بسیاری از مفسران آن را به‌عنوان شأن نزول آیه در نظر گرفته و مفاهیمی چون «قوامیت» و «ضرب» در آیه را با توجه به این سبب نزول معنا و تفسیر کرده‌اند. در این نوشتار، نسخه‌های مختلف این روایت با استفاده از روش تحلیل اسناد-متن بررسی شده است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که عبارت پردازی این روایت متأخر است و متقدم‌ترین نسخه آن متعلق به اواخر قرن اول و از حسن بصری می‌باشد. موضوع مورد نظر مفسران متقدم در بیان این روایت، بحث قصاص زوجین بوده که تحلیل آن وابسته به مفهوم «قوامیت» است. این روایت با چنین عبارت پردازی در واقع به بیان سبب نزول قسمت «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» پرداخته و به بحث «وَأَضْرَبُوهُنَّ» و تأیید یا انکار زدن زن مربوط نیست. همچنین این روایت به دلیل متأخر بودن عبارت پردازی و اشکالات کلامی آن، نمی‌تواند به‌عنوان مبنا در تحلیل آیه ۳۴ نساء قرار گیرد. از سوی دیگر، با توجه به بررسی روایات دیگری که به مفهوم قوامیت اشاره دارند به نظر می‌رسد واژه «قوام» با «راع» به معنی «حفاظت» همپوشانی معنایی بالایی دارد.

### واژگان کلیدی

نقد حدیث، آیه ۳۴ نساء، قوامیت مردان، تحلیل انتقادی، روش تحلیل اسناد - متن.

\* دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه تهران و پژوهشگر گروه پژوهشی پویافکر، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

mjdavoodi@gmail.com

\*\* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء(س)، و پژوهشگر گروه پژوهشی پویافکر، تهران، ایران.

nahidnataj@yahoo.com

\*\*\* استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران. f\_fattahizadeh@alzahra.ac.ir

### طرح مسئله

آیه ۳۴ سوره نساء بخصوص در دو بخش قوامیت مرد بر زن و احکام نشوز زن همواره محل توجه و بحث در محافل علمی بوده است. خداوند در این آیه می‌فرماید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْعَمُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِن أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا».

یکی از ابهامات مهم در این آیه عبارت «واضربوهن» است که فهم معنای آن در گرو فهم درست عبارت «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» و مفهوم «نشوز» است. از آنجا که این آیه و شرح این عبارات همچنان مورد مناقشه است، شرح‌ها و روایات مرتبط با آن باید بازخوانی شود. به این منظور در این مقاله، روایت سبب نزول این آیه بازخوانی شده است. روایت سبب نزول آیه مذکور مورد توجه مفسرین واقع شده و بیشتر در منابع تفسیری بیان شده است. با اینکه مطالعات زیادی در مورد آیه ۳۴ نساء انجام شده است اما هیچ یک از آنها مستقلاً به بررسی روایت سبب نزول این آیه نپرداخته‌اند. بعضاً ضمن بحث پیرامون این آیه، اشاراتی به روایت مذکور نیز داشته‌اند. برای مثال، در مقاله غروی و مصطفوی فرد که موضوع آن بررسی رویکرد مفسران در مورد این آیه است، به روایت سبب نزول و نقد آن نیز پرداخته شده است.

این مقاله، وجود اختلاف در نسخه‌های این روایت را نشانه جعل و ساختگی بودن حدیث دانسته است. در این بررسی، تحلیل‌های مفسران پیرامون این روایت در شرح آیه مذکور دسته‌بندی شده است. در برخی تفاسیر از روایت سبب نزول در جهت توضیح «قوامیت» مرد و در برخی دیگر برای شرح «واضربوهن» با معنای «کتک زدن زن» استفاده شده است (غروی، ۱۳۹۳). علی‌جانی نیز در مقاله خود درباره بررسی تطبیقی قوامیت و تنبیه زنان به بیان تحلیل برخی از مفسران درباره روایت سبب نزول پرداخته و روایت را دچار خدشه دانسته است. او شرح‌هایی را برجسته نموده است که نزول آیه ۳۴ نساء را موجب رفع قصاص ندانسته‌اند (علی‌جانی، ۱۳۸۹). همچنین شریعت‌ناصری و همکارانش در مقاله‌ای به بررسی رویکرد مفسران در مواجهه سیاق آیات با روایت پرداخته و ضمن آن به روایت مورد بحث نیز اشاره داشته‌اند. طبق بررسی آنها تعدادی از مفسران معاصر سیاق را بر این روایت ترجیح داده و به این وسیله، روایت مذکور را رد کرده‌اند (شریعت‌ناصری، ۱۳۹۹). البته به نظر می‌رسد یکی از مواردی که در بررسی روایات سبب نزول دارای اهمیت است، وجه دلالت آن بر آیه باشد. در مطالعه حاضر به این مطلب توجه شده است.

نکته قابل توجه دیگر این است که در هیچ یک از منابع، اسناد و متن تمام نسخه‌های این روایت به صورت روشمند مطالعه نشده است. بنا به مراتب یاد شده، وجه نوآوری نوشتار حاضر مشخص می‌شود.

در این مقاله، جهت بازخوانی روایت سبب نزول آیه ۳۴ نساء، متن و اسناد آن با «روش تحلیل اسناد- متن» مورد بررسی قرار گرفته است. لازم به ذکر است که استفاده از این روش در استخراج اطلاعات و به تبع آن در فهم روایت مذکور کارآمد است. به این منظور ابتدا تمام نسخه‌های این روایت از منابع مختلف تفسیری و روایی و تاریخی در دسترس در حد امکان استخراج شد. سپس روایات بر اساس راوی اصلی آنها دسته‌بندی گردید. در مرحله بعد نمودار اسناد هر یک از دسته‌ها رسم شد. آنگاه پس از تعیین حلقه مشترک اصلی (۱) و حلقه‌های مشترک فرعی (۲)، متن نسخه‌های مختلف مورد تحلیل قرار گرفت. برای تحلیل متن، عناصر متن کدگذاری شد تا نسخه‌ها به شکل ساده‌تری با یکدیگر قابل مقایسه شوند. به این ترتیب تغییراتی که در فرایند نقل اتفاق افتاده است شناسایی و عبارت‌پردازی عناصر مختلف روایت در حد امکان تاریخ‌گذاری شد (برای مطالعه درباره روش مذکور نک: موتسکی، ۱۳۹۴؛ آقایی، ۱۳۹۰؛ آقایی، ۱۳۹۴). پس از بررسی دقیق روایت، ارتباط آن با آیه به ویژه بخش مربوط به «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» تحلیل گردید. برای این کار، برخی از روایات مربوط به بحث «قوامیت» نیز مورد استفاده قرار گرفتند.

### ۱. بررسی نسخه‌های مختلف روایت

یک روایت با اسناد منفرد و چهار روایت مرسل درباره سبب نزول آیه ۳۴ سوره نساء موجود است که در ذیل به تفصیل بررسی می‌شوند. همچنین چند روایت مرفوع نیز در منابع تفسیری وجود دارد که این موارد نیز در تحلیل روایات ذکر خواهند شد. روایت مسندی که به بیان شأن نزول این آیه پرداخته است روایت ابن‌اشعث کوفی است که صرفاً در چند منبع متأخر شیعی آمده است. در مورد آدرس روایات شایان ذکر است در مواردی که عناصر روایت در جدول مشخص شده است، آدرس روایت در ردیف مربوط به آن در جدول ذکر شده و از بیان مجدد آن در متن مقاله صرف‌نظر شده است.

#### ۱-۱. روایت ابن‌اشعث کوفی

روایت شأن نزول آیه ۳۴ سوره نساء با یک اسناد توسط محمد بن محمد بن اشعث کوفی (زنده در ۳۱۴ق) به امامان شیعه منتسب شده است. اسناد این روایت را در شکل (۱) مشاهده می‌کنید.

این روایت اولین بار توسط محمدبن محمدبن اشعث در کتابی با موضوع فقه روایی آمده است که جعفریات یا اشعثیات نامیده می‌شود که از طریق موسی بن اسماعیل بن موسی بن جعفر، نوۀ امام کاظم (علیه السلام) نقل شده است. روایت مورد بحث، چنانکه در نمودار شکل (۱) ملاحظه می‌کنید، از طریق موسی بن اسماعیل از اسماعیل بن موسی از امام موسی بن جعفر (علیه السلام) از امام صادق (علیه السلام) از امام باقر (علیه السلام) از امام سجاد (علیه السلام) از امام حسین (علیه السلام) از علی بن ابیطالب (علیه السلام) روایت شده است. این روایت با این اسناد فقط از طریق ابن اشعث نقل شده و ابن مردویه (د. ۱۰۱۰ق)، سید فضل الله راوندی (د. ۵۷۱ یا ۵۷۳ق) و محدث نوری (د. ۱۳۲۰ق) آن را از ابن اشعث روایت کرده‌اند. ابتدای کتاب جعفریات که در دسترس ماست اطلاعاتی موجود است که نشان می‌دهد این نسخه از کتاب، استنساخی از کتاب قاضی امین القضاة محمدبن علی است که آن را از پدرش علی بن محمد بن محمد و شیخ ابونعیم محمدبن ابراهیم جمازی دریافت کرده است. این دو نفر کتاب را از احمدبن مظفر عطار از عبدالله بن محمد معروف به ابن سقا، که کتاب را در سال ۳۱۴ از ابن اشعث گرفته است، روایت کرده‌اند.

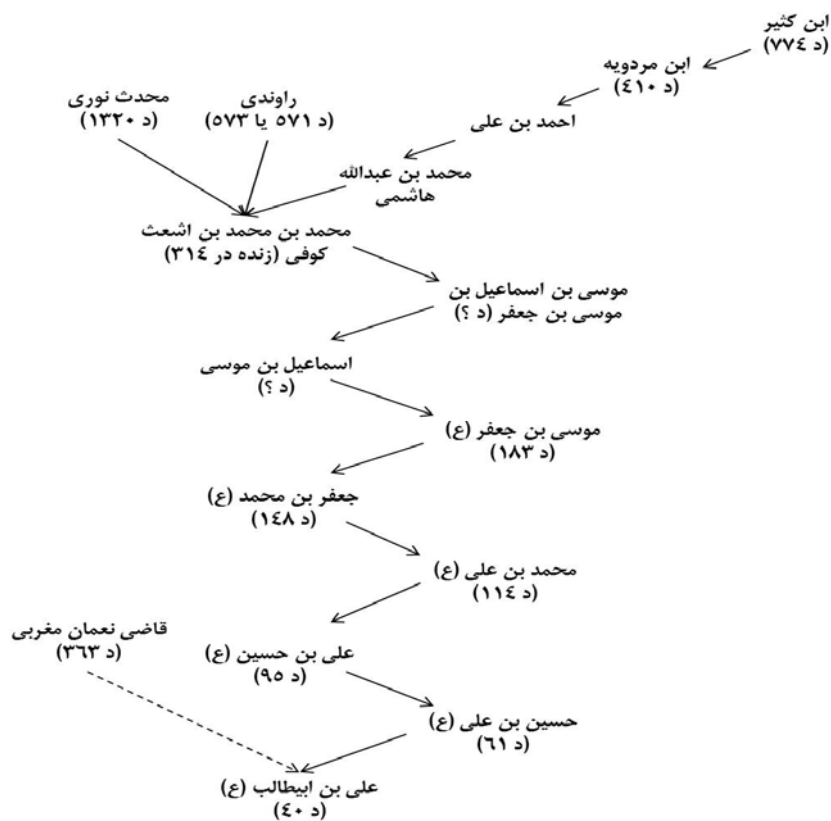
بنابراین نسخه‌ای از اشعثیات که به صورت مکتوب در دسترس ماست از چهار نسل پس از ابن اشعث در اختیار قرار گرفته است. در مورد اعتبار کتاب جعفریات بحث‌های متعددی شده است اما آنچه در مقاله حاضر قابل اعتنا است این است که آنچه نجاشی (د. ۴۵۰ق) از وجود کتاب ابن اشعث می‌گوید، همچنین روایت راوندی از ابن اشعث و اطلاعاتی که حاجی نوری در خاتمه مستدرک ارائه داده است (نوری، ۱۴۱۵ق، ص ۱۵-۳۷) حکایت از آن دارد که ابن اشعث چنین کتابی داشته است. به علاوه، از این مطلب که محدثانی همچون ابن مردویه و راوندی روایت مذکور را از ابن اشعث نقل کرده‌اند، حاصل می‌شود که این روایت در کتاب ابن اشعث موجود بوده و از او روایت شده است. بنا بر نمودار شکل (۱) حلقه مشترک روایت مورد بحث، محمدبن محمدبن اشعث کوفی است و اسناد او به ائمه (علیهم السلام) در این روایت منفرد است. با توجه به اینکه این روایت سه نسل پس از موسی بن جعفر (علیه السلام) از ابن اشعث نقل شده و دارای اسنادی منفرد است اثبات صحت اسناد به موسی بن جعفر (علیه السلام) ممکن نیست.

از سوی دیگر، نکته قابل تأمل این است که چنین روایتی در تفاسیر شیعی متقدم به امامان شیعه اسناد نشده است. این امر نشان‌دهنده عدم دسترسی مفسران متقدم به این روایت یا عدم اعتبار آن نزد آنان است. راوندی در ابتدای کتاب *نوادیر*، روایات مندرج در آن را «احادیث غیر مشهور یا احادیثی که مشتمل بر احکام غیر متداول است» نامیده است. بنابراین روایت مذکور

از نظر راوندی غیر مشهور محسوب می‌شده است. این با برداشت ما از علت عدم ذکر این روایت در تفاسیر متقدم هم‌خوانی دارد.

نسخه دیگر، روایتی مرفوع به علی (علیه السلام) است. قاضی نعمان مغربی (د. ۳۶۳ق) در کتاب دعائم الاسلام بدون ذکر سلسله اسناد، روایت را به امام علی (علیه السلام) منتسب داشته است. دعائم الاسلام در موضوع فقه اسماعیلی و به سفارش خلیفه فاطمی المعز لدین‌الله نوشته شده است و از مهم‌ترین کتب فقهی اسماعیلیه محسوب می‌شود.

متن نسخه جعفریات این چنین است: «أَتَى النَّبِيَّ (صلى الله عليه و آله) رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ بَائِنَةٌ لَهُ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ زَوْجَهَا فُلَانٌ بْنُ فُلَانٍ الْأَنْصَارِيُّ وَإِنَّهُ ضَرَبَهَا فَأَثَّرَ فِي وَجْهِهَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) لَيْسَ ذَلِكَ لَكَ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الرِّجَالَ قَوَامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ أَيْ قَوَامُونَ عَلَى النِّسَاءِ فِي الْأَدَبِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَ أَرَدْتُ أَمْرًا وَ أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ؛ مردی از انصار با دخترش نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمد و گفت: یا رسول‌الله شوهرش (یعنی شوهر دخترش) که فلانی پسر فلانی از انصار است او را کتک زده و اثر آن در صورت او باقی است. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: تو نمی‌توانی این کار را انجام دهی. آنگاه خداوند این آیه را نازل کرد که «الرِّجَالُ قَوَامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» یعنی مردان در تأدیب بر زنان قوامیت دارند. آنگاه پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: من کاری را اراده کردم و خدا چیز دیگری اراده فرمود.



شکل (۱) نمودار اسناد روایت ابن اشعث کوفی

اکنون متن نسخه‌های روایت ابن اشعث کوفی را با یکدیگر مقابله و تحلیل می‌کنیم. متن روایت درباره زنی است که از شوهرش کتک خورده، به نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌رود و در آنجا آیه ۳۴ سوره نساء نازل می‌شود. جزئیات متن روایت در نسخه‌های در دسترس تفاوت‌هایی دارند که پس از موضوع‌بندی متن به بیان آنها می‌پردازیم. در جدول (۱) عناصر متن روایت ابن اشعث موضوع‌بندی و بر اساس حروف انگلیسی کدگذاری شده و در جدول (۲) عناصر نسخه‌های مختلف آن با توجه به کدهای جدول (۱) مشخص شده‌اند. این جدول به ترتیب سال وفات نویسنده منبع مکتوب تنظیم شده است. برخی کدها شماره‌گذاری هم شده‌اند. برای مثال، موضوع «قصاص شوهر توسط پدر آن زن» با کد **B** مشخص شده است، اما از آنجا که عبارت مربوط به این موضوع در نسخه‌های مختلف متفاوت بوده، عبارات مربوط به آن با کدهای **B1** و **B2** از یکدیگر مجزا شده‌اند. در جدول (۲) ذیل ستون **B** مشخص است که نسخه قاضی نعمان از این روایت شامل عبارت **B1** و نسخه راوندی از آن شامل عبارت **B2** است.

جدول (۱) موضوع‌بندی و کدگذاری عناصر متنی روایت ابن‌اشعث

کد	موضوع	متن عربی
A1	کتک خوردن زنی از شوهرش و شکایت او به پیامبر (ص)	أَتَى النَّبِيَّ (ص) رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ بِإِنْتِهٍ لَهُ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ زَوْجَهَا فَلَانُ بْنُ فَلَانَ الْأَنْصَارِيُّ وَ إِنَّهُ ضَرَبَهَا فَأَتَرْتُ فِي وَجْهِهَا
A2		أَتَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ بِامْرَأَةٍ لَهُ، فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ زَوْجَهَا فَلَانُ بْنُ فَلَانَ الْأَنْصَارِيُّ وَ إِنَّهُ ضَرَبَهَا فَأَتَرْتُ فِي وَجْهِهَا
B1	قصاص شوهر توسط پدر آن زن	فَأَقْبَدَهَا مِنْهُ
B2		فَأَقْبَدَهُ لَهَا
C1	نظر اولیه پیامبر (ص)	فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لَيْسَ ذَلِكَ لَكَ (لیس له ذلك)
C2		فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لَيْسَ لَهُ ذَلِكَ
C3		فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لَكَ ذَلِكَ
D	نزول آیه ۳۴ سوره نساء	فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الرِّجَالَ قَوْمُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ بِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ
E1	معنی قوامون	أَيُّ قَوْمُونَ عَلَى النِّسَاءِ فِي الْأَدَبِ (أى فى الادب)
E2		أَيُّ قَوْمُونَ بِالْأَدَبِ
F1	نظر پیامبر (ص) پس از نزول آیه	فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَرَدْتُ امْرَأً وَ أَرَادَتْ اللَّهُ غَيْرَهُ
F2		فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَرَدْتُ امْرَأً وَ أَرَادَ اللَّهُ (سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى) غَيْرَهُ

جدول (۲) کدگذاری عناصر نسخه‌های روایت ابن‌اشعث بر اساس کدهای جدول (۱)

ش	نسخه	آدرس	A	B	C	D	E	F
۱	ابن‌اشعث (زنده در ۳۱۴ق)	جعفریات، ص ۱۰۷	1		1		1	
۲	قاضی نعمان مغربی (د. ۳۶۳ق)	دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۲۱۷	1	1	3		2	1
۳	ابن‌مردویه (د. ۴۱۰ق)	تفسیر ابن‌کثیر، ج ۲، ص ۲۵۶	2		2		1	1
۴	راوندی (د. ۵۷۱ یا ۵۷۲ق)	نوادر، ص ۳۸	1	2	3			2
۵	محدث نوری (د. ۱۳۲۰ق)	مستدرک الوسائل، ج ۱۶۶۴۹	1		1		1	2

چنانکه در جدول (۲) ملاحظه می‌کنید، متن روایت محدث نوری در مستدرک همان متن روایت ابن‌اشعث در جعفریات است با این تفاوت که اعراب‌گذاری «أردت» در عنصر **F** در آنها متفاوت است. نسخه ابن‌مردویه از این روایت نیز همان عناصر جعفریات و مستدرک را داراست، اما متن عناصر **A** و **C** در آن با دو نسخه پیش‌گفته تفاوت دارد. تفسیر ابن‌مردویه اکنون در دسترس ما نیست و نسخه‌های این روایت او در تفسیر ابن‌کثیر و الدرالمثور سیوطی آمده است. متن هر دو نسخه یکی است اما سیوطی در الدرالمثور (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۵۱) اسناد ابن‌مردویه در بیان روایت را ذکر نکرده است. اسنادی که در شکل (۱) مشاهده می‌کنید در تفسیر ابن‌کثیر بیان شده است.



در نسخه ابن مردویه برخلاف نسخه‌های دیگر این روایت آمده است که مردی با همسرش نزد پیامبر <sup>(صلی الله علیه و آله)</sup> آمد و زن از دامادش شکایت کرد. در حالی که در نسخه‌های دیگر اینگونه است که مرد انصاری به همراه دخترش که کتک خورده بود نزد پیامبر <sup>(صلی الله علیه و آله)</sup> رفت و مرد از دامادش شکایت نمود. این موارد مربوط به تفاوت‌های عنصر **A** در این نسخه‌ها است. در نسخه ابن مردویه، عنصر **C** به اینصورت است که پیامبر <sup>(صلی الله علیه و آله)</sup> در پی شکایت آنان فرمود: «لیس له ذلک»، یعنی مرد چنین حقی نداشته است. این عنصر در نسخه‌های دیگر مفهوم متفاوتی دارد که جلوتر به آنها خواهیم پرداخت.

با توجه به جدول (۲) نسخه‌های جعفریات، ابن مردویه و مستدرک فاقد عنصر **B** هستند. عنصر **B** شامل عبارت «أقدها منه» و «أقیده» از ریشه «قود» است. در توضیحات کتاب دعائم الاسلام در پانویس این روایت، «قود» همان «قصاص» معنا شده است: «أقاد ولی المقتول من قاتله من القود، والقود القصاص». در عنصر **B** در جدول (۱) مشاهده می‌کنید که دو عبارت به نقل از پدر آن زن آمده است. در عبارت **B1** مرد از پیامبر <sup>(صلی الله علیه و آله)</sup> درخواست می‌کند که دامادش را قصاص نماید اما در عبارت **B2** می‌گوید من او را قصاص می‌کنم. با اینکه راوندی روایت خود را به ابن اشعث اسناد داده است، متن نسخه نوادر (روایت ۴) با سه نسخه پیش گفته از ابن اشعث متفاوت و مشابه با روایت مرفوع قاضی نعمان (روایت ۲) است. در این دو نسخه که شامل عنصر **B** هستند، متن روایت با عنصر **C2** ادامه یافته است که در آن پیامبر <sup>(صلی الله علیه و آله)</sup> با عبارت «لک ذلک» درخواست پدر آن زن را تأیید می‌کند و قصاص را حق او می‌داند. اما در روایت ۱ که فاقد عنصر **B** است، عنصر بعدی متن، **C1** است که می‌گوید پیامبر <sup>(صلی الله علیه و آله)</sup> فرمود: «لیس ذلک لک» یعنی این کار در اختیار تو نیست. بنابراین با توجه به وجود یا نبود عنصر **B**، عنصر **C** به دو صورت متضاد آمده است: «لک ذلک» و «لیس ذلک لک». این مطلب نشان‌دهنده دخالت راویان در بیان روایت و تغییر و اصلاح آن از نظر خودشان است.

پس از آن نزول آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» بیان شده است. در انتهای روایت، پیامبر <sup>(صلی الله علیه و آله)</sup> بر اساس این آیه جمله‌ای می‌فرماید که تفاوت آنها در این نسخه‌ها تنها مربوط به اعراب‌گذاری آنها است. البته مشخص نیست که اعراب‌گذاری در نسخه‌های کنونی همان اعراب مورد نظر در اصل روایت بوده باشد و معلوم نیست که این نسخه‌ها در این عنصر تفاوت داشته‌اند یا خیر، زیرا شکل نوشتار هر دو مورد یکی است. در کد **F1** عبارت پیامبر <sup>(صلی الله علیه و آله)</sup> به صورت «أَرَدْتُ أَمْرًا وَ أَرَادَ اللَّهُ غَيْرَهُ» آمده و طی آن خواست پیامبر <sup>(صلی الله علیه و آله)</sup> مغایر با اراده خدا قلمداد شده

است اما در کد F2 عبارت اول به صورت «أَزْدَتْ أُمَّراً» آمده است یعنی مرد انصاری مورد خطاب پیامبر (صلی الله علیه وآله) بوده و پیامبر (صلی الله علیه وآله) اراده مرد انصاری را متفاوت با امر خدا دانسته‌اند. از مقایسه متن جعفریات و مستدرک ملاحظه می‌کنید متن نسخه مستدرک همان متن جعفریات است و تنها تفاوت آن اعراب «اردت» است که معنی را تغییر می‌دهد. در نسخه جعفریات آمده است که مرد از اینکه دامادش دخترش را زده است به پیامبر (صلی الله علیه وآله) شکایت کرد و پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود این در اختیار تو نیست و سپس آیه «الرجال قوامون...» را تلاوت فرمود. اگر عبارت آخر به صورت «اردت» باشد آنگاه به این معنی است که نظر پیامبر (صلی الله علیه وآله) نادرست بوده و مرد باید در ماجرای کتک خوردن دخترش دخالت کند و این حق را دارد. اما اگر اعراب عبارت آخر در مستدرک به صورت «اردت» صحیح باشد یعنی آن مرد حق دخالت در رابطه بین دختر و دامادش را نداشته است. توجه به این نکته ضروری است که چون مورد مخاطبه پیامبر (صلی الله علیه وآله) پدر آن زن است، بحث بر سر دخالت او و اجازه قصاص در این مورد است نه اجازه کتک زدن شوهر به زنش.

چنانکه گفتیم در نسخه‌های دعائم و نوادر عنصر B نیز به متن روایت ابن اشعث افزوده شده است. در این نسخه‌ها از زبان پدر آن زن بحث درخواست قصاص یا اطلاع دادن آن به پیامبر (صلی الله علیه وآله) مطرح شده است و در ادامه از پیامبر (صلی الله علیه وآله) نقل می‌شود که «لک ذلک» یعنی این قصاص حق توست. با اینکه متن هر دو روایت یکی است در انتهای روایت دعائم عبارت «اردت امرا» و در انتهای روایت نوادر عبارت «اردت امرا» ذکر شده است که از روی عناصر متن مشخص نیست کدامیک از این اعراب صحیح است. اما این اعراب گذاری برخلاف دو نسخه پیشین تأثیری در مفهوم روایت ندارد. زیرا طبق متن این نسخه‌ها پیامبر (صلی الله علیه وآله) با آن مرد انصاری هم‌نظر بوده و قصاص را تجویز کرده است. در هر صورت متن نسخه‌های جعفریات و مستدرک با نسخه‌های دعائم و نوادر در بکار بردن عنصر C متفاوتند؛ در دو نسخه اول از زبان پیامبر (صلی الله علیه وآله) عبارت «لیس ذلک لک» و در دو نسخه اخیر عبارت «لک ذلک» بیان شده است. تنها نسخه متفاوت مربوط به ابن مردویه است که این عبارت را به صورت «لیس له ذلک» بیان کرده است یعنی داماد مرد شاکی که در این شکایت غایب بوده است حق نداشته همسرش را کتک بزند. بنابراین در نسخه ابن مردویه موضوع سخن درباره جواز زدن زن توسط شوهرش است، در حالی که موضوع نسخه‌های دیگر اختیار پدر در دخالت در رابطه زناشویی دخترش، یا موضوع قصاص مرد در قبال کتک زدن به همسرش است.

نکنه قابل توجه دیگر در تحلیل متن این روایت این است که در نسخه راوندی عبارت توضیحی درباره قوامون (عنصر E) ذکر نشده است. بنابراین به نظر می‌رسد این عبارت توضیحی برای بیان این رویکرد باشد که آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» حق تنبیه زن را به مرد داده است. جلوتر خواهیم دید که در نسخه‌های دیگر این روایت که از روایان دیگر نقل شده نیز عبارت توضیحی قوامون وجود ندارد. بنابراین می‌توان گفت این جمله، توضیحی است که توسط روایان متأخر به متن روایت افزوده شده است. اینکه چه کسی مسئول افزودن آن به روایت است مشخص نیست، فقط می‌توان گفت جمله توضیحی مذکور از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نبوده است.

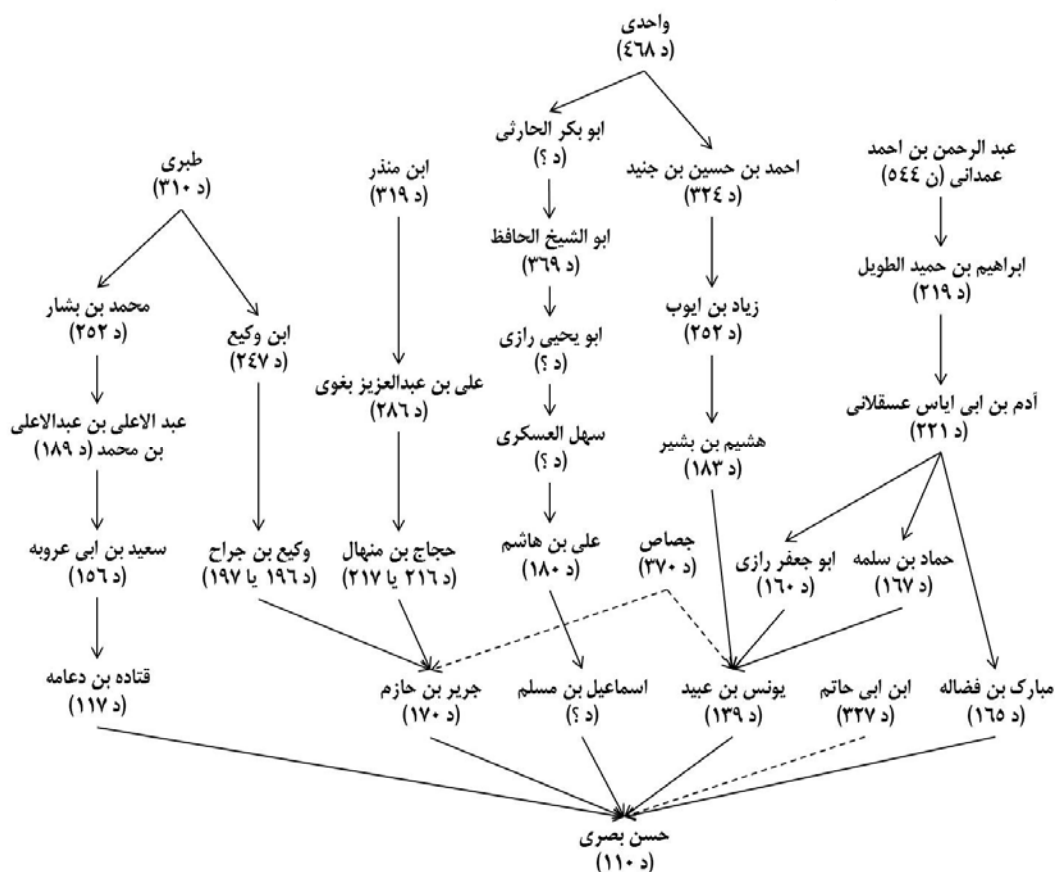
شایان ذکر است که نسخه نوادر که به گفته راوندی متن جعفریات را در بر دارد با نسخه متقدم از کتاب معتبر دعائم هم‌خوانی دارد. پیش‌تر گفتیم که دعائم الاسلام از مهمترین منابع فقهی اسماعیلیه است و از زمان نگارش توسط حکومت مورد توجه بوده است. از این رو به نظر می‌رسد متن آن قابل اعتمادتر از متن جعفریات و نسخه‌های متأخر از ابن مردویه باشد. محتوای روایت نیز دچار تشتت معنایی نیست. در دو نسخه مذکور پدر آن زن بحث قصاص را مطرح می‌کند، پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز این حق را به او می‌دهد و آیه نازل می‌شود، در نهایت پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید «أَزِدْتُ أَمْرًا وَأَزَادَ اللَّهُ غَيْرَهُ». به نظر می‌رسد متقدم‌ترین عبارت پردازی قابل اعتماد برای روایت ابن‌اشعث متن دعائم باشد که در سه نسخه دیگر بحث قصاص از آن حذف شده است. در مجموع از بررسی اسناد و متن این روایت می‌توان گفت عبارت پردازی روایت ابن‌اشعث متأخر و متعلق به نیمه اول قرن چهارم است.

## ۲-۱. روایت حسن بصری

بیشترین تعداد نسخه‌ها در روایت شأن نزول آیه ۳۴ نساء از حسن بصری نقل شده است. روایت حسن مرجعی ندارد و بنابراین مرسل است. نمودار اسناد این روایت در شکل (۲) آمده است. با توجه به این نمودار، حسن بصری (د. ۱۱۰ق) حلقه مشترک روایت است. یونس بن عبید (د. ۱۳۹ق) و جریر بن حازم (د. ۱۷۰ق) حلقه‌های مشترک فرعی روایتند. علاوه بر این افراد، قتاده بن دعامة (د. ۱۱۷ق)، مبارک بن فضاله (د. ۱۶۵ق) و اسماعیل بن مسلم نیز این روایت را از حسن بصری نقل کرده‌اند.

در جدول (۳) عناصر متن از نسخه‌های مختلف روایت حسن بصری کدگذاری شده‌اند. موضوعات کدگذاری شده در جدول (۳) با موضوعات جدول (۱) هم‌خوانی دارد. برای مثال، موضوع «کتک خوردن زنی از شوهرش» با کد A، موضوع «نظر اولیه پیامبر (صلی الله علیه و آله)» با کد C، و

«نظر پیامبر (صلی الله علیه وآله) پس از نزول آیه» با کد **F** مشخص شده است. چنانکه در جدول (۳) مشاهده می‌کنید کد اختصاص یافته به عبارت «لَمَّا نَزَّلَتْ آيَةُ الْقَصَاصِ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ» در ردیف اول بر طبق ترتیب حروف انگلیسی نیست؛ زیرا این عنصر که در ابتدای یکی از نسخه‌های روایت حسن آمده است، در نسخه‌های روایت ابن‌اشعث وجود ندارد، از این رو با کد **O** نمایش داده شده است. پس از آن ترتیب کدها با ترتیب حروف انگلیسی و کدهای جدول (۱) هم‌خوانی دارد. کد **A\*** نشانه اطلاعات اضافی مربوط به کد **A** است که تنها در یکی از نسخه‌های روایت حسن بصری ذکر شده است. نکته دیگر در کدگذاری جدول (۳) مربوط به کد **E\*** است. کد **E** در جدول (۱) بیانگر معنی واژه «قومون» است که در روایت حسن نیامده است. بنابراین برای قسمتی از متن روایت حسن که بین کدهای **D** و **F** بیان شده و متفاوت با کد **E** است کد **E\*** انتخاب شده است. بدین صورت هم ترتیب کدها تغییر نیافته است و هم با کمک علامت \* در کنار کد **E** نشان داده‌ایم که محتوای این کد با کد **E** در جدول (۱) تفاوت دارد.



شکل (۲) نمودار اسناد روایت حسن بصری

با توجه به جدول (۴) و پراکندگی اعداد داخل آن می‌توان تفاوت‌های عناصر متنی در نسخه‌های مختلف روایت حسن را مشاهده کرد. بنابراین روایت حسن بصری عبارت‌پردازی واحدی ندارد و از این رو دسترسی به اصل روایت حسن دشوار است. با این حال از بررسی نسخه‌های راویان حسن بصری امیدواریم به هسته اصلی روایت دست یابیم.

جدول (۳) کدگذاری روایت حسن بصری در شأن نزول آیه ۳۴ نساء

کد	موضوع	متن عربی
O		لَمَّا نَزَلَتْ آيَةُ الْقِصَاصِ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ
A1	کنتک خوردن زنی از شوهرش	(أَنْ لَطَمَ رَجُلٌ امْرَأَتَهُ
A2		جَرَحَ رَجُلٌ امْرَأَتَهُ
A*		رَجُلٌ مِنَ الْإِنصَارِ
B*1	آمدن به نزد پیامبر(ص)	فَأَتَتْ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
B*2		فَأَتَى أَخُوهَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
B1	شکایت به پیامبر(ص) و درخواست قصاص	فَجَاءَتْ تَلْتَمِسُ (تَطْلُبُ) الْقِصَاصَ
B2		فَاسْتَعَدَّتْ عَلَيْهِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
B3		فَخَاصَمَتْهُ إِلَى النَّبِيِّ فَجَاءَ مَعَهَا أَهْلُهَا فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ فُلَانًا لَطَمَ صَاحِبَتَنَا
B4		فَانطَلَقَتْ إِلَى النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) فَقَالَتْ: إِنَّ زَوْجِي لَطَمَنِي فَالْقِصَاصُ
C1		فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (لِزَوْجِهَا) (عَلَيْكُمْ) الْقِصَاصُ
C2	فَأَرَادَ أَنْ يَقْضِيَهَا مِنْهُ (فَأَرَادَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْقِصَاصَ)	
C3	فَجَعَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَيْنَهُمَا الْقِصَاصَ	
C4	فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: بَيْنَكُمَا الْقِصَاصُ	
C5	فَجَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) يَقُولُ: الْقِصَاصُ الْقِصَاصُ، وَلَا يَقْضِي قِضَاءً	
D1	نزول آیه ۳۴ نساء	(فَأَنْزَلَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْوَحْيَ)، وَنَزَلَ عَلَيْهِ {الرِّجَالُ قَوْمُونَ عَلَى النِّسَاءِ} النِّسَاءِ: ۳۴] إِلَى آخِرِ الْآيَةِ.
D2		(فَبَيْنَا هُوَ كَذَلِكَ أَنْزَلَ) فَأَنْزَلَ اللَّهُ (تَعَالَى): الرِّجَالُ قَوْمُونَ عَلَى النِّسَاءِ (بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ)
D3	نزول آیه ۱۱۴ طه و آیه ۳۴ نساء	فَنَزَلَتْ (فَأَنْزَلَ اللَّهُ): (وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَى إِلَيْكَ وَحْيُهُ) (سُورَةُ طه: ۱۱۴)، وَنَزَلَتْ (ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى): (الرِّجَالُ قَوْمُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ)
E1*		فَقَرَأَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ
E2*		فَدَعَا النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَتَلَاهَا عَلَيْهِ
F1	نظر پیامبر(ص) پس از نزول آیه	وَقَالَ: أَرَدْنَا أَمْرًا وَأَرَادَ اللَّهُ أَمْرًا غَيْرَهُ، (وَمَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ خَيْرًا)
F2		وَقَالَ: أَرَدْتُ أَمْرًا وَأَرَادَ اللَّهُ غَيْرَهُ
G		خَذَ أُيُّهَا الرَّجُلُ بِيَدِ امْرَأَتِكَ

جدول (۴) کدگذاری عناصر نسخه‌های روایت حسن بصری بر اساس کدهای جدول (۳)

G	F	E*	D	C	B	B*	A*	A	O	راوی حسن بصری	آدرس	
	1	1	1	1		1		1		مبارک بن فضاله	تفسیر مجاهد، ص ۲۷۴	۱
	1	1	1	1		1		1		ابوجعفر رازی- یونس بن عبید		۲
	1	1	1	1		1		2		حماد بن سلمه- یونس بن عبید		۳
	2	2	2	2		1		1		سعید بن ابی عروب- قتاده	تفسیر طبری، ح ۹۳۰۴	۴
			3	3	1		✓	1		جریر بن حازم	تفسیر طبری، ح ۹۳۰۷	۵
			3	3	1			1			تفسیر ابن ابی حاتم، ش ۱۳۵۴۴	۶
	1		3	4				1		حجاج بن منهال- جریر بن حازم	تفسیر ابن منذر، ش ۱۷۰۱	۷
	1		2	1		2		2		یونس بن عبید	احکام القرآن، جصاص، ۳/۱۴۸	۸
			3	1	2			1		جریر بن حازم	احکام القرآن، جصاص، ۳/۱۴۸	۹
	1		1	5	3			1		هشیم بن بشیر- یونس بن عبید	اسباب النزول، واحدی، ص ۱۵۲	۱۰
✓	1		2	1	4			1	✓	علی بن هاشم- اسماعیل بن مسلم	اسباب النزول، واحدی، ص ۱۵۲	۱۱

### ۱-۲-۱. نسخه یونس بن عبید

چنانکه در شکل (۲) مشاهده می‌شود، یکی از حلقه‌های مشترک فرعی روایت حسن بصری، یونس بن عبید (د. ۱۳۹ق) است. روایت یونس از دو طریق در تفسیر مجاهد و از یک طریق در اسباب النزول واحدی آمده است. جصاص نیز این روایت را به صورت مرسل از یونس - حسن نقل کرده است. توجه کنید که متن موجود در تفسیر مجاهد متعلق به مجاهد بن جبر (د. ۱۰۴ق) نیست و توسط راویان او از حسن بصری نقل شده و به متن تفسیر مجاهد افزوده شده است. با توجه به جدول (۴) ذیل ستون A در تفسیر مجاهد آمده است که نسخه ابوجعفر رازی (د. ۱۶۰ق) از یونس بن عبید به صورت «لطم رجل امراته» نقل شده اما در نسخه حماد بن سلمه (د. ۱۶۷ق) از یونس به جای واژه «لطم» از «جرح» استفاده شده است. در نسخه واحدی که از طریق هشیم بن بشیر (د. ۱۸۳ق) روایت شده نیز همانند ابوجعفر رازی فعل «لطم» استفاده شده است. جصاص واژه «جرح» را در نسخه یونس به کار برده است اما از آنجا که اسناد خود تا یونس را بیان نکرده نمی‌دانیم این عبارت را از چه کسی گرفته است. این احتمال وجود دارد که جصاص نیز نسخه خود را از حماد بن سلمه گرفته باشد و واژه «جرح» متعلق به حماد باشد نه یونس بن عبید. این احتمال بعیدی نیست؛ زیرا اگر ستون A در جدول (۴) را بنگرید ملاحظه خواهید کرد که به جز نسخه حماد بن سلمه از یونس و نسخه جصاص، در بقیه نسخه‌ها واژه «لطم» به کار رفته است.

بنابراین می‌توان گفت واژه «جرح» در متن این روایت، عبارتی متأخر و مربوط به اواسط قرن دوم است. «لطم» و «جرح» دارای تفاوت معنایی هستند. در فرهنگ‌های عربی «لطم» به معنی زدن به صورت یا بدن با پهنای دست است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۴۳۳؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۵۴۲؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۴۸) اما «جرح» به معنای زخمی کردن یا زدنی است که اثرش باقی بماند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴۲۲؛ مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۲، ص ۸۱).

بنا بر جدول ۴ در نسخه‌های یونس بن عبید عبارات متفاوتی در عنصر **B** به کار رفته است. نسخه‌های تفسیر مجاهد و جصاص اصلاً به طلب قصاص اشاره نکرده‌اند و به همین دلیل ذیل ستون **B\*** قرار داده شده‌اند، حتی در مورد اینکه چه کسی نزد پیامبر <sup>(صلی الله علیه وآله)</sup> رفت نیز با یکدیگر متفاوتند. این عنصر در نسخه‌های تفسیر مجاهد به صورت **B\*1** آمده است یعنی آن زن نزد پیامبر <sup>(صلی الله علیه وآله)</sup> رفت، درحالی‌که در نسخه جصاص اینگونه نقل شده است که برادرش خدمت پیامبر <sup>(صلی الله علیه وآله)</sup> رسید. در نسخه واحدی از یونس عبارت **B3** آمده است یعنی آن زن برای دادخواهی با خانواده‌اش نزد پیامبر <sup>(صلی الله علیه وآله)</sup> رفت.

در تمام نسخه‌های یونس آمده است که پیامبر <sup>(صلی الله علیه وآله)</sup> پیش از نزول آیه، حکم به قصاص مرد داد. همچنین در انتهای تمام نسخه‌های یونس عبارت **F1** تکرار شده است که از زبان پیامبر <sup>(صلی الله علیه وآله)</sup> می‌گوید: ما چیزی را خواستیم و خدا امر دیگری اراده کرد. با توجه به این بررسی می‌توان گفت روایت یونس بن عبید شامل عبارت قصاص از سوی پیامبر <sup>(صلی الله علیه وآله)</sup> و همینطور عبارت «أردنا أمراً و أراد الله أمراً غیره» بوده است. اما در مورد افرادی که به نزد پیامبر <sup>(صلی الله علیه وآله)</sup> شکایت بردند و اینکه عبارت روایت شده توسط یونس کدامیک از موارد را شامل بوده (زن به تنهایی یا برادرش یا او و اهلس همگی حضور داشته‌اند)، نمی‌توان اظهار نظر کرد زیرا نسخه‌های مختلف او با یکدیگر متفاوتند.

### ۱-۲-۲. نسخه جریر بن حازم

حلقه مشترک دیگر روایت حسن بصری، جریر بن حازم (د. ۱۷۰ق) است که روایت او در تفسیر طبری، تفسیر ابن‌منذر و احکام القرآن جصاص ذکر شده است. در تمام این نسخه‌ها عبارت «لطم رجل امراته» تکرار شده است. تنها نسخه طبری است که می‌گوید آن مرد از انصار بوده است. بحث درخواست قصاص در نسخه‌های طبری و جصاص با عبارات متفاوتی بیان شده (**B1**) و (**B2**) اما این مطلب در نسخه ابن‌منذر نیامده است.



در تمام نسخه‌های جریر آمده است که پیامبر <sup>(صلی الله علیه وآله)</sup> در پاسخ به دادخواهی زن فرمودند قصاص. تفاوت عبارت پردازی در این قسمت اندک است و مضمون عنصر C همان قصاص از نظر پیامبر <sup>(صلی الله علیه وآله)</sup> پیش از نزول آیه است. مشخص است که محتوا به صورت نقل به معنا انتقال یافته است. در هر سه نسخه جریر عنصر D3 آمده و اینگونه ذکر شده است که ابتدا آیه «ولاتعجل بالقرآن...» خطاب به پیامبر <sup>(صلی الله علیه وآله)</sup> نازل شد تا پیامبر <sup>(صلی الله علیه وآله)</sup> به سرعت حکم قصاص نهد و منتظر نزول وحی باشد و سپس آیه ۳۴ نساء نازل گردید. در انتهای نسخه ابن منذر از جریر که حکم قصاص از سوی پیامبر <sup>(صلی الله علیه وآله)</sup> را نیاورده، آمده است که پیامبر <sup>(صلی الله علیه وآله)</sup> فرمود: «أردنا أمراً وأراد الله أمراً غيره» که در دو نسخه دیگر چنین مطلبی ذکر نشده است. از این بررسی مشخص است که نسخه جریرین حازم مشتمل بر عنصر D3 بوده اما عنصر F احتمالاً از روایان جریر به دست ابن منذر رسیده و در عبارت پردازی جریر نبوده است.

در ستون مربوط به عنصر D در جدول (۴) مشخص است که به جز نسخه‌های جریرین حازم، نسخه مرسل ابن ابی حاتم از حسن بصری نیز حاوی عنصر D3 است. در بقیه نسخه‌های حسن بصری این عبارت ذکر نشده است. در ردیف‌های ۶ و ۵ جدول (۴) ملاحظه می‌شود که نسخه ابن ابی حاتم دقیقاً همان نسخه طبری از جریر است با این تفاوت که در متن طبری عبارت توضیحی «رجل من انصار» افزوده شده است. در نتیجه، به احتمال قوی ابن ابی حاتم روایت را از طریق جریرین حازم نقل کرده است. سیوطی (د. ۹۱۱ق) در الدرالمثور (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۵۱۲-۵۱۳) می‌نویسد ابن ابی حاتم روایت حسن را از طریق جریر نقل کرده است. بنابراین نتیجه‌گیری ما به روش تحلیل اسناد- متن، نتیجه درستی است و از این رو می‌توان گفت عنصر D3 که می‌گوید پیامبر <sup>(صلی الله علیه وآله)</sup> در این ماجرا مورد خطاب آیه «ولاتعجل بالقرآن من قبل ان یقضی الیک وحیه» قرار گرفت، از طریق جریرین حازم به روایت حسن افزوده شده و او مسئول عبارت پردازی این عنصر است. به عبارت دیگر، این عنصر عبارتی متأخر بر روایت حسن است.

### ۱-۲-۳. نسخه قتاده بن دعامة

نسخه دیگر روایت حسن بصری که در نمودار شکل (۲) مشاهده می‌شود از طریق قتاده بن دعامة نقل شده و در تفسیر طبری ثبت شده است. عناصر متن این نسخه از روایت در ردیف ۴ جدول (۴) آمده است. علاوه بر این نسخه از قتاده- حسن، نسخه‌های دیگری موجود است که روایت را از قتاده بدون ارجاع به حسن نقل می‌کند. شکل (۳) نمودار اسناد روایت قتاده را نشان می‌دهد. عبدالرزاق صنعانی (د. ۲۱۱ق) در تفسیر خود این روایت را از طریق معمر بن راشد (د. ۱۵۳ق) از



قتاده به این صورت نقل می‌کند: «صَكَ رَجُلٌ امْرَأَةً، فَأَتَتْ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَأَزَادَ أَنْ يُقَيِّدَهَا مِنْهُ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ: {الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ}» (صنعانی، ۱۴۱۱، ح ۵۶۷). طبری نیز روایت عبدالرزاق را عیناً در تفسیر خود آورده است (طبری، بی تا، ج ۸، ص ۲۹۱، ح ۹۳۰۶).

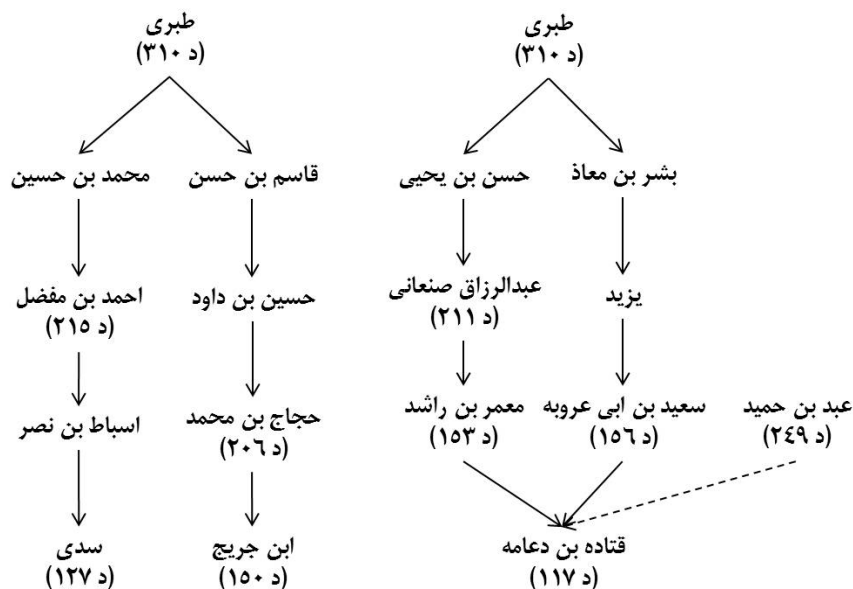
در این روایت از عبارت «صَكَ» به جای «لطم» و «جرح» استفاده شده است. «صَكَ» به معنی زدن شدید است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۲۷۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۴۵۶؛ مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۶، ص ۳۱۶). همچنین همانند روایت ابن اشعث در آن از عبارت «یقید» به جای «قصاص» استفاده شده که در اینجا مترادف با قصاص است. طبری این روایت را از طریق دیگری یعنی از طریق سعیدبن ابی عروبه نیز از قتاده نقل کرده است اما متن آن را به طور کامل ذکر نکرده و تنها به بیان این بخش از روایت بسنده کرده است: «ذکر لنا أن رجلاً لطم امرأته، فأتت النبي صلى الله عليه وسلم، ثم ذكر نحوه» (طبری، ج ۸، ص ۲۹۱، ح ۹۳۰۵).

عبدبن حمید (د. ۲۴۹ق) نیز متن روایت قتاده را نیاورده و تنها ابتدای روایت را با عبارت «أن رجلاً لطم امرأته» آغاز کرده است (عبدبن حمید، ۱۴۲۵، ص ۸۸، ح ۲۷۴). باید توجه نمود که در نسخه عبد، و نسخه طبری از سعیدبن ابی عروبه عبارت «لطم» برای کتک زدن استفاده شده است. عبدبن حمید اسناد خود به قتاده را نیاورده است. بنابراین تنها متن کاملی که از روایت قتاده در دست داریم همان نسخه عبدالرزاق است که طبری نیز آن را تکرار کرده است. حال متن نسخه عبدالرزاق از قتاده را با نسخه طبری از قتاده - حسن مقایسه می‌کنیم.

کد	نسخه طبری از قتاده - حسن	نسخه عبدالرزاق از قتاده
A1	أَنَّ رَجُلًا لَطَمَ امْرَأَتَهُ	صَكَ رَجُلٌ امْرَأَةً
B*1	فَأَتَتْ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ	فَأَتَتْ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
C2	فَأَزَادَ أَنْ يُقَيِّدَهَا مِنْهُ	فَأَزَادَ أَنْ يُقَيِّدَهَا مِنْهُ
D2	فَأَنْزَلَ اللَّهُ: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ»	فَأَنْزَلَ اللَّهُ: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»
E*2	فَدَعَا النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَتَلَاهَا عَلَيْهِ	
F2	وَقَالَ: أُرِدْتُ امْرَأَةً وَأَرَادَ اللَّهُ غَيْرَهَا.	

در مقایسه نسخه‌های عبدالرزاق و طبری ملاحظه می‌کنید که متن نسخه‌ها از عنصر **A** تا **D** همانندند مگر در سه واژه؛ در نسخه عبدالرزاق به جای «لطم» از واژه «صَكَ» و به جای «یقصها» از «یقیدها» استفاده شده اما تغییر این واژه‌ها تفاوتی در محتوا ایجاد نکرده است. سومین اختلاف در «امرأه» است که در نسخه عبدالرزاق به صورت مجهول آمده است و تأکید نشده که زن،

همسر او بوده است در حالی که در نسخه طبری مانند بقیه نسخه‌های این روایت عبارت «امراته» استفاده شده است که موضوع روایت را به زوجین برمی‌گرداند. نسخه طبری نسبت به نسخه عبدالرزاق، عناصر اضافی **E\*2** و **F2** را دارد. از آنجا که نسخه عبدالرزاق یک قرن پیش از طبری موجود بوده است می‌توان گفت دو عنصر اخیر توسط راویان قتاده افزوده شده است. در میان راویان قتاده، سعید بن ابی‌عروبه (د. ۱۵۶ق) اثبت‌الناس فی قتاده بوده اما اختلاط داشته است. عبدالاعلی بن عبدالاعلی (د. ۱۸۹ق) نیز راوی معتبر سعید بن ابی‌عروبه از قتاده بوده است. طبری روایت را از طریق محمد بن بشار (د. ۲۵۲ق) از عبدالاعلی - سعید بن ابی‌عروبه نقل کرده است. با توجه به وجود این سه راوی بین طبری و قتاده، یکی از این راویان مسئول افزودن این عناصر به متن نسخه قتاده‌اند اما نمی‌توان گفت کدامیک از آنها، زیرا نسخه دیگری برای مقایسه در دست نداریم. همچنین در اینکه آیا مرجع قتاده در این روایت همانطور که طبری می‌نویسد حسن بوده یا آنطور که عبدالرزاق می‌گوید مرجع او نامشخص است، نمی‌توان نظر قطعی داد، اما واضح است که منشأ روایت واحد بوده است. در مجموع، در روایت عبدالرزاق گویی موضوع کلی درباره قصاص مرد به دلیل زدن زن است اما در روایت طبری، بحث قصاص میان زوجین مطرح است.



شکل (۳) نمودار اسناد روایت‌های قتاده بن دعامه، ابن جریج و سدی

طبری دو نسخه از این روایت را از سده (د. ۱۲۷ق) و ابن جریر (د. ۱۵۰ق) نقل کرده که نمودار اسناد آنها در شکل (۳) نشان داده شده است. در روایت ابن جریر آمده است: «لطم رجل امرأته، فأراد النبي (صلى الله عليه و آله) القصاص. فبيناهم كذلك، نزلت الآية» (طبری، ح ۹۳۰۸). عناصر متن روایت ابن جریر با متن روایت عبدالرزاق از قتاده مشابهت دارد اما در روایت سده بحث قصاص از سوی پیامبر (صلى الله عليه وآله) مطرح نشده است. متن روایت سده این چنین است: «فإن رجلاً من الأنصار كان بينه وبين امرأته كلاماً فلطمها، فانطلق أهلها، فذكروا ذلك للنبي (صلى الله عليه و آله)، فأخبرهم: الرجال قومون على النساء» (طبری، ح ۹۳۰۹). در اینجا مشخص نیست که مرجع این روایت نزد حسن، سده و ابن جریر چه کسی بوده است اما اینکه در روایت سده پیامبر (صلى الله عليه وآله) متهم نشده است می‌تواند نشانی از اضافه شدن عبارات مربوط به «حکم قصاص از سوی پیامبر (صلى الله عليه وآله)» و «تفاوت حکم او با حکم خدا» به اصل روایت باشد.

طبق نمودار (۲) راوی دیگر حسن، مبارک بن فضاله است. نسخه متنی مستقلی از مبارک بن فضاله که در تفسیر مجاهد به او ارجاع شده است در دست نداریم؛ بنابراین اسناد او در بررسی متن تأثیری ندارد. نسخه اسماعیل بن مسلم که واحدی نوشته و در ردیف ۱۱ جدول (۴) آمده است، نسبت به بقیه نسخه‌ها دو عنصر اضافی دارد. این تنها نسخه‌ای است که عناصر **O** و **G** در آن آمده و بنابراین تنها نسخه‌ای از روایت است که ماجرا را به پس از نزول آیه قصاص مربوط می‌داند. از عنصر **G** برمی‌آید که شوهر آن زن نیز در این واقعه حضور داشته است. با اینکه این عناصر تأثیر خاصی در تحلیل روایت ندارند اما نشانگر تأخر روایتند. همچنین از آنجا که نسخه در دسترس از اسماعیل بن مسلم، نسخه واحدی (د. ۴۶۸ق) است که روایت را با فاصله پنج راوی از اسماعیل بن مسلم بیان کرده است، مشخص نیست کدامیک از این راویان مسئول بیان این عباراتند.

در مجموع با توجه به نسخه‌های متعددی که از حسن در دست است می‌توان گفت چنین روایتی از حسن بصری صادر شده و او حلقه مشترک واقعی این روایت است. زمان انتشار روایت اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم هجری است. همچنین بنظر می‌رسد هسته اصلی متن روایت حسن بصری مشتمل بر این بوده که زنی که از شوهرش کتک خورده بود نزد پیامبر (صلى الله عليه وآله) آمد. پیامبر (صلى الله عليه وآله) فرمود: قصاص، آیه نازل شد که «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ». عناصر دیگر، اضافاتی است که راویان متأخرتر به هسته اصلی روایت افزوده‌اند.

### ۳-۱. روایات مرفوع و بدون اسناد

در چند روایت فاقد اسناد، نام زن و شوهری که دچار اختلاف شده بودند آمده است. از مقاتل بن سلیمان (د. ۱۵۰ق) بدون ذکر اسناد روایت شده است که این آیه درباره سعد بن ربیع بن عمرو از نقبا و همسرش حبیبه بنت زید بن ابی زهیر نازل شده است که هر دوی آنها از قبیله بنی حارث خزرج بودند (مقاتل، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۳۷۰). سعد بن ربیع از صحابه و از نقبا بود که در جنگ احد به شهادت رسید (ابونعیم، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۱۲۴۸؛ ابن اثیر، ج ۲، ص ۷۲). اگر این مطلب صحیح باشد زمان نزول این آیه باید در سال‌های ابتدایی هجرت پیش از جنگ احد بوده باشد (۳). ثعلبی (د. ۴۲۷ق) و واحدی (د. ۴۶۸ق) نیز این روایت را از مقاتل نقل کرده‌اند اما ثعلبی نام مرد را سعید بن ربیع نوشته است که احتمالاً مربوط به تصحیف در نسخه برداری است. در تنویر المعباس به نقل از ابن عباس نام این مرد سعد بن ربیع نوشته شده اما نام همسرش عمیره دختر محمد بن سلمه ثبت شده است (فیروزآبادی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۱).

فخر رازی (د. ۶۰۶ق) نیز بدون ذکر سلسله اسناد همین نام‌ها را به نقل از ابن عباس روایت کرده است؛ البته از نام زن تنها به بیان «دختر محمد بن سلمه» بسنده کرده است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۰، ص ۷۰). ثعلبی (د. ۴۲۷ق) به نقل از کلبی نام او را اسعد بن ربیع و نام همسرش را دختر محمد بن مسلم نوشته است (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۳۰۲)، اما قرطبی (د. ۶۷۱ق) از کلبی نقل می‌کند که این فرد سعد بن ربیع و همسرش عمیره دختر محمد بن سلمه است (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۵، ص ۱۶۹). بنابراین به نظر می‌رسد اسعد بن ربیع در نسخه ثعلبی تصحیفی از سعد بن ربیع باشد. همچنین احتمالاً محمد بن سلمه و محمد بن مسلم نیز تصحیف محمد بن سلمه هستند و در واقع این روایات به فرد واحدی اشاره دارند.

این نتیجه‌گیری بعید نیست زیرا با توجه به اطلاعات تراجم شخصی به نام اسعد بن ربیع و محمد بن سلمه یا محمد بن مسلم در میان صحابه پیامبر (صلی الله علیه و آله) وجود ندارد. سمرقندی (د. ۳۷۳ق) به نقل از ابو عبیده معمر بن مثنی (د. ۲۱۰ق) مرد را سعد بن ربیع و همسرش را دختر محمد بن سلمه نوشته است. با توجه به اطلاعات موجود درباره سعد بن ربیع، این فرد دو همسر داشته است؛ بنابراین این احتمال وجود دارد که تفاوت نام همسر او در منابع مختلف به صورت حبیبه بنت زید یا عمیره بنت محمد بن سلمه به این موضوع مرتبط باشد و در واقع، ماجرا برای یکی از همسران سعد بن ربیع رخ داده باشد.

تنها یک روایت از ابو روق (د. ۳۳۱ق) موجود است که می‌گوید این روایت درباره ثابت بن قیس و همسرش جمیله دختر عبدالله بن ابی نقل شده است (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۳۰۲). ملاحظه می‌کنید که روایاتی که به نام فرد مشخصی در این روایت اشاره دارند همگی فاقد اسناد

هستند و از قرن دوم و پس از آن در اختیار قرار گرفته‌اند. نکته قابل توجه در متن این روایات غیر مسند این است که زنی که از شوهرش کتک خورده بود تقاضای قصاص داشت اما در *تنویرالمقباس* آمده است که آیه قرآن او را از قصاص منع کرد. البته در روایت مقاتل بن سلیمان و همچنین روایت فخر رازی از ابن عباس این مطلب در متن روایت آمده است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز همانند آن زن تمایل به قصاص داشته اما با نزول آیه ۳۴ سوره نساء رأی خود را برگردانده است. در متن روایت مقاتل بن سلیمان (د. ۱۵۰ق) آمده است:

«نزلت فی سعد بن الربیع بن عمرو، من النقباء، و فی امرأته حبیبة بنت زید بن أبی زهیر، و هما من الأنصار من بنی الحارث بن الخزرج، و ذلك أنه لطم امرأته، فأنت أهلها، فانطلق أبوها معها إلى النبي (صلی الله علیه و آله)، فقال: أنكحتہ وأفرشته کریمتی فلطمها، فقال النبي (صلی الله علیه و آله): لتقتص من زوجها، فأنت مع زوجها لتقتص منه، ثم قال النبي (صلی الله علیه و آله): ارجعوا، هذا جبریل، علیه السلام، قد أتاني، وقد أنزل الله عزوجل: (الرجال قوامون على النساء)، يقول: مسلطون على النساء، (بما فضل الله بعضهم على بعض)، و ذلك أن الرجل له الفضل على امرأته في الحق، (وبما أنفقوا من أموالهم)، يعني وفضلوا بما ساق إليها من المهر، فهم مسلطون في الأدب والأخذ على أيديهن، فليس بين الرجل وبين امرأته قصاص إلا في النفس والجراحة، فقال النبي (صلی الله علیه و آله) عند ذلك: أردنا أمرا وأراد الله أمرا، والذي أراد الله خيرا».

این روایت نسبت به روایت حسن دارای تفصیل بیشتری است. توضیحاتی که پس از آیات آمده است متعلق به مقاتل است. متن این روایت با عبارت پردازی کلبی در اختیار نیست اما ثعلبی و بغوی و قرطبی به نام زن و شوهر مورد نظر از قول کلبی اشاره کرده‌اند که تفاوت نام‌های آنها به نظر ناشی از تصحیف در نسخه برداری است. ثعلبی (د. ۴۲۷ق) و بغوی (د. ۵۱۰ق) در ذکر روایت از مقاتل، متن پیش گفته را آورده‌اند اما در ابتدای آن نوشته‌اند: «أما نضرت فلطمها». به این ترتیب آنها دلیل کتک خوردن زن را نشوز او بیان کرده‌اند. از آنجا که چنین مطلبی در تفسیر *مقاتل* نیامده است این عبارت متأخر است و متعلق به مقاتل نیست. از ابن عباس دو نسخه موجود است که در *تنویرالمقباس* و *تفسیر الکبیر* ثبت شده‌اند. در *تنویرالمقباس* از ابن وهب دینوری (د. قرن ۴) با سند خود از طریق محمد بن سائب کلبی (د. ۱۴۶ق) از ابن عباس نقل می‌کند: «نزلت من قوله الرجال قوامون على النساء إلى ههنا في بنت محمد بن سلمة بلطمة لطمها زوجها أسعد بن الربيع لقبل عصيانها في المضاجع فطلبت من النبي (صلی الله علیه و آله) قصاصها من زوجها فنهاها الله عن ذلك» (فیروزآبادی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۰).

از عبارت «لقبل عصيانها في المضاجع» مشخص است که دلیل کتک خوردن به نشوز زن ارتباط یافته است. در حالی که در روایت ابن اشعث و حسن بصری دلیل کتک خوردن زن مشخص نیست.

نکته قابل توجه دیگر در این نسخه این است که زن تقاضای قصاص از پیامبر (صلی الله علیه و آله) داشته و پیامبر (صلی الله علیه و آله) اظهار نظری نکرده‌اند. از عبارت «فنهاها الله عن ذلك» برمی آید که خداوند با نزول آیه «الرجال قوامون» از قصاص نهی کرده است. اما فخر رازی در روایتی مرفوع از ابن عباس متن متفاوتی را ارائه داده است: «نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ فِي بِنْتِ مُحَمَّدِ بْنِ سَلَمَةَ وَزَوْجِهَا سَعْدِ بْنِ الرَّبِيعِ أَحَدِ نُبُءِ الْأَنْصَارِ، فَإِنَّهُ لَطَمَهَا لَطْمَةً فَتَشَرَّتْ عَنْ فِرَاشِهِ وَدَهَبَتْ إِلَى الرَّسُولِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَدَكَرَتْ هَذِهِ الشِّكَايَةَ، وَأَنَّهُ لَطَمَهَا وَأَنَّ أَثَرَ اللَّطْمَةِ بَاقٍ فِي وَجْهِهَا، فَقَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: «اقتصبي منه ثم قال لها اصبري حتى أنظر» فنزلت هذه الآية: الرجال قوامون على النساء أي مسلطون على أديهن والأخذ فوق أيديهن، فكأنه تعالى جعله أميراً عليها ونافذ الحكم في حقها، فلما نزلت هذه الآية قال النبي (صلى الله عليه وآله): «أردنا أمراً وأراد الله أمراً والذي أَرَادَ اللَّهُ خَيْرٌ» (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۰، ص ۷۰).

در نسخه فخر رازی (د. ۶۰۶ق) مستقیماً به نشوز زن در خوابگاه اشاره شده و در واقع، همان مطلب تنویرالمقباس با عبارات دیگری بیان شده است. در این نسخه، نظر پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر قصاص ذکر شده و در انتهای روایت، عنصر F با عبارت «أردنا» آمده است. در انتهای آن عبارت «والذی اراد الله خیر» نیز اضافه شده است. توضیح قوامون و توضیحات اضافی دیگر در متن فوق متعلق به فخر رازی یا مروی عنه است. در هر صورت عبارت پردازی این نسخه از روایت متأخر است و زمان انتشار آن به قرن ششم تعلق دارد.

## ۲. تحلیل روایت

زمان نشر نسخه‌های مختلف روایت سبب نزول در جدول (۵) تاریخ‌گذاری شده است. ردیف‌های جدول بر مبنای این تاریخ‌گذاری مرتب شده‌اند. همچنین در این جدول، وجود یا نبود سه عنصر متنی در این نسخه‌ها با یکدیگر مقایسه شده است: درخواست قصاص از سوی زن یا خانواده‌اش، نظر پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر قصاص، عبارت بیان‌کننده تفاوت اراده خدا و اراده پیامبر (صلی الله علیه و آله) پس از نزول آیه ۳۴ نساء. تاریخ‌گذاری روایات مسند بر اساس دوره زندگی حلقه مشترک واقعی و تاریخ‌گذاری روایات غیرمسند یا با اسناد منفرد بر مبنای زمان انتشار منبع مکتوب انجام شده است.

جدول (۵) تاریخ‌گذاری روایات سبب نزول آیه ۳۴ نساء

نام روایت	تاریخ‌گذاری	عبارت زدن	درخواست قصاص زن یا خانواده‌اش	نظر پیامبر(ص) بر قصاص	تفاوت اراده خدا و پیامبر(ص)
روایت حسن بصری	اواخر قرن ۱	لطم	چند نسخه	✓	
روایت قتاده بن دعامة	اوایل قرن ۲	صک- لطم		✓	
روایت مقاتل بن سلیمان	نیمه اول قرن ۲	لطم		✓	✓
روایت تنویرالمقباس	اواخر قرن ۳	لطم	✓		
روایت سدی	اواخر قرن ۳	لطم			
روایت ابن جریج	اواخر قرن ۳	لطم		✓	
روایت ابن اشعث	نیمه اول قرن ۴	ضرب	✓	✓	✓
روایت معمر بن مثنی	اواسط قرن ۴	لطم		✓	
روایت فخر رازی از ابن عباس	نیمه دوم قرن ۶	لطم		✓	✓

**الف)** چنانکه در ستون سوم جدول (۵) مشاهده می‌شود، تنها روایتی که از واژه «ضرب» برای بیان زدن در آن استفاده شده روایت ابن‌اشعث است. در نسخه‌های دیگر روایت از «لطم» و در یک مورد (روایت قتاده) از «صک» استفاده شده است. از آنجا که نسخه ابن‌اشعث، متأخر و عبارت‌پردازی آن متعلق به قرن چهارم است، می‌توان گفت استفاده از واژه «ضرب» در روایت سبب نزول آیه ۳۴ نساء نیز متأخر است.

دلیل دیگر بر تأخر واژه «ضرب» در این روایت این است که در متن هیچ یک از نسخه‌های این روایات اشاره‌ای به عبارت «وَاضْرِبُوهُنَّ» در روایت نشده و تنها بر قسمت «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» از آیه تأکید شده است. به نظر می‌رسد استفاده از «ضرب» در روایت ابن‌اشعث برای تأکید بر قسمت «وَاضْرِبُوهُنَّ» در آیه بوده است، درحالی‌که روایت به این موضوع اشاره ندارد و این احتمال را مطرح می‌کند که اگر برداشت مردم عصر نزول از «وَاضْرِبُوهُنَّ» اجازه کتک زدن زن بود لزومی به تأکید بر قسمت «قوامون» و بیان دلیل آن در روایت شأن نزول نبود بلکه مستقیماً به عبارت «وَاضْرِبُوهُنَّ» پرداخته می‌شد. بنابراین عبارت‌پردازی روایت ابن‌اشعث چنانکه پیش‌تر نیز بیان شد متعلق به خود او یا مروی‌عنه اوست. همچنین گفتیم که روایات تنویرالمقباس و فخر رازی به نقل از ابن‌عباس نیز به دلیل استفاده از مفهوم «نشوز» در علت کتک خوردن زن، دارای عبارت‌پردازی متأخرند زیرا در متن هیچ یک از روایات متقدم‌تر از آن علت اختلاف زن و مرد و به عبارت دیگر، دلیل کتک زدن مشخص نشده و به قسمت مربوط به خوف نشوز در آیه مذکور نیز اشاره نشده است.

ب) در روایات ابن‌اشعث و ابن‌عباس آمده است که زن یا خانواده‌اش تقاضای قصاص داشته‌اند (ستون چهارم جدول ۵). این مطلب در برخی از نسخه‌های روایت حسن بصری نیز تکرار شده است. اما چنانکه ذیل ستون «نظر پیامبر<sup>(صلی‌الله‌علیه‌وآله)</sup> بر قصاص» ملاحظه می‌شود، به جز نسخه‌های سدی و تنویر و سه نسخه متأخر از ابن‌اشعث، تمام این روایات شامل نظر پیامبر<sup>(صلی‌الله‌علیه‌وآله)</sup> بر قصاصند. در ادامه روایت آمده است که آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» نازل شد. ستون آخر جدول نشان می‌دهد که در روایت مقاتل بن سلیمان، ابن‌اشعث، و روایت فخر رازی از ابن‌عباس این عبارت از زبان پیامبر<sup>(صلی‌الله‌علیه‌وآله)</sup> نقل شده است که اراده خدا در نزول این آیه را بر خلاف خواست خود یا خواست زن شاکی عنوان می‌نماید. با توجه به جدول (۵) در این روایات خواست زن و در بسیاری از نسخه‌ها خواست پیامبر<sup>(صلی‌الله‌علیه‌وآله)</sup>، قصاص مرد به دلیل زدن همسرش است. بنابراین آنچه نازل شده مغایر با این خواسته یعنی «قصاص» قلمداد شده است. یعنی از عبارت «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» که در تمام نسخه‌های این روایات بر آن تأکید شده چنین برداشت شده است که مرد نباید در قبال این عمل قصاص شود.

از تحلیل مفسران و فقهای قرن دوم نیز این‌گونه برمی‌آید که این روایت حول موضوع «قصاص زوجین» است. تنها در نسخه عبدالرزاق از روایت قتاده به دلیل نکره آوردن واژه «امرأة» کلیت بحث قصاص مرد توسط زن مطرح است نه قصاص زوجین که در هر صورت ذیل موضوع قصاص قرار می‌گیرد. در روایت حسن بصری (د. ۱۱۰ق) نیز با اینکه به عبارت پردازی دقیق او دست نیافتیم، اما از آنجا که در تمام نسخه‌های روایت او سخن از قصاص است مشخص است که حسن از نظر فقهی بحث قصاص را در این واقعه جستجو می‌کرده است. عبدالرزاق (د. ۲۱۱ق) ذیل آیه ۳۴ نساء و پس از بیان این روایات، از طریق معمر بن راشد (د. ۱۵۳ق) از ابن‌شهاب زهری (د. ۱۲۴ق) - از مفسرین و فقهای برجسته اوایل قرن دوم - نقل می‌کند: «لَوْ أَنَّ رَجُلًا جَرَحَ امْرَأَتَهُ، أَوْ شَجَّهَا، لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ فِي ذَلِكَ قَوْلٌ، وَكَانَ عَلَيْهِ الْعُقْلُ، إِلَّا أَنْ يَغْدُوَ عَلَيْهَا فَيَمْتَلِكُهَا، فَيَقْتُلَ فِيهَا» (صنعانی، ۱۴۱۱، ح ۵۶۸).

زهری در قبال زخمی کردن یا شکستن اعضای زن توسط شوهرش قصاص را روا نمی‌داند و می‌گوید باید دیه بپردازد اما اگر او را کشت، باید به قصاص او کشته شود. بحث ما پیرامون درستی یا نادرستی حکم زهری یا حسن بصری نیست بلکه این مطلب نشانه تحلیل فقهی و تفسیری از روایت مورد نظر در اوایل قرن دوم است. مقاتل بن سلیمان (د. ۱۵۰ق) نیز به هنگام بیان روایت شأن نزول می‌گوید با نزول آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» قصاص برداشته شد (رُفِعَ الْقِصَاصُ)، آنگاه در تحلیل روایت نتیجه می‌گیرد: «فليس بين الرجل وبين امرأته قصاص إلا في النفس



والجراحه» یعنی بین زوجین قصاص نیست مگر در قتل و جراحت. از نظر مفسرین نیمه اول قرن دوم روایت مذکور در صدد بیان این است که زدن توسط همسر قصاص ندارد اما این به معنی دریافت مجوز زدن از آیه قوامون و روایت سبب نزول نیست.

به عبارت دیگر، برداشت مفسران قرن دوم از روایت، مجوز زدن زن برای مرد نبوده است و چنین استفاده‌ای از آن نکرده‌اند. از نظر مفسران متقدم روایت مورد بررسی در واقع، در شأن نزول «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» و در بیان مفهوم قوامیت وارد شده است نه «وَاضِرُّوهُنَّ». عبارت «وَاضِرُّوهُنَّ» در آیه ۳۴ سومین رویکرد در مواجهه با نشوز زن است که برای بازخوانی مفهوم آن باید بررسی جداگانه‌ای انجام شود. اما در این روایت بحث نشوز مطرح نشده و زاویه دید مفسران و راویان روایت مسئله دیگری بوده است. به همین دلیل در متن برخی از این روایات دیدیم که مفسر به بیان مفهوم قوامیت پرداخته و شرح خود از قوامون را به روایت افزوده است. برای مثال مقاتل بن سلیمان هنگام بیان این روایت نوشته است که «الرجال قوامون» یعنی «مسلطون علی النساء»، یا در روایت ابن اشعث آمده است یعنی «قوامون بالأدب». در متون تفسیری متأخرتر نیز مفسران به بیان این مطلب ذیل روایت پرداخته‌اند که قوامیت به معنی تسلط مرد بر زن است و گاهی توضیحات جزئی‌تری نیز در قبال وظایف زنان و حقوق مردان بیان داشته‌اند.

**ج)** نکته قابل توجه دیگر در مورد این روایت این است که متقدم‌ترین متن روایت مربوط به اواخر قرن اول و عبارت‌پردازی آن متعلق به حسن بصری است. متن این روایت حتی در نسخه ابن اشعث که به امامان<sup>(علیهم‌السلام)</sup> منتسب شده است دارای اشکال کلامی است. اشکال موجود این است که می‌گوید پیامبر<sup>(صلی‌الله‌علیه‌وآله)</sup> پیش از نزول وحی به بیان حکم قصاص پرداخته‌اند که این با صراحت قرآن در اینکه او «لا ینطق عن الهوی» است و جز به وحی سخن نمی‌گوید، مغایر است. همچنین در این قضاوت طرف دعوی حاضر نبوده است. به علاوه، ارائه حکم قصاص توسط پیامبر<sup>(صلی‌الله‌علیه‌وآله)</sup> و پس از آن نزول آیه‌ای که تشریح او را تخطئه و باطل کرده باشد با عصمت پیامبر<sup>(صلی‌الله‌علیه‌وآله)</sup> در تضاد است. اینها تنها مواردی از اشکالات کلامی روایت مذکور است.

در بررسی متن نیز نشان دادیم عبارت «اردث (اردنا) امرأ و اراد الله غیره» که در انتهای برخی از نسخه‌ها ذکر شده بود (ستون آخر جدول ۵) عبارتی متأخر و از افزوده‌های راویان بعدی برای توضیح بیشتر روایت بوده است. بنابراین علاوه بر اشکالات و چنین تفاوت‌هایی در متن، به دلایل کلامی نیز عبارت‌پردازی روایت مورد بحث متأخر و دچار اشکال است. درستی این تحلیل از روی نمودارهای اسناد در شکل‌های (۱) تا (۳) نیز قابل تأیید است؛ ملاحظه می‌شود که روایت در هیچ سطحی به صحابه نمی‌رسد و در متقدم‌ترین نسخه‌ها به تابعین ختم می‌شود. تنها در

روایت ابن اشعث به امیرالمؤمنین (علیه السلام) اسناد شده است که در مورد آن نیز گفتیم که عبارت پردازی روایت متأخر و متعلق به قرن چهارم است. بنابراین استناد به این روایت در فهم آیه ۳۴ نساء محل اشکال است.

د) علاوه بر متأخر بودن عبارت پردازی روایت مذکور، باید توجه نمود که برداشت مفسران در رفع قصاص از زوجین با استناد به متن این روایت (چنانکه برخی از آنها تصریح کرده‌اند) مستلزم دریافت معنای «مسلطون» برای «قوامون» است که به نظر می‌رسد مفهومی متأخر برای عبارت «قوامون» باشد. در منابع متأخر تفسیری بین شأن نزول آیات ۳۲ و ۳۳ نساء با نزول آیه ۳۴ ارتباط برقرار شده است. در آیات پیشین تفاوت حقوق زن و مرد و مسائل مربوط به ارث مطرح است. در آیات دیگری نیز به برتری مردان در ارث اشاره شده است. این مطلب برای برخی از زنان سؤال برانگیز بوده است. فخر رازی (د. ۶۰۶ ق) می‌نویسد گفته‌اند سبب نزول این آیه این است که زنان درباره برتری مردان بر آنها در ارث سخن می‌گفتند که این آیه نازل شد که این برتری به این دلیل است که «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»، آنگاه بحث مهر و نفقه که به عهده مردان است را مطرح می‌نماید (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۰، ص ۷۰).

در یکی از تفاسیر قرن هفتم نیز به این موضوع اشاره شده و نام ام سلمه به‌عنوان کسی که از علت برتری مردان در ارث پرسش نموده ذکر شده است (شیبانی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۴۹). در این روایت آمده است که در پاسخ ام سلمه این آیه نازل شد: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ». گویی این آیه جهت تسلی به زنان بود که تفاوت حقوق آنان را با مردان و وظایف مردان در قبال آنان را بیان می‌نمود. در روایت مرسلی که آیه ۳۴ نساء در آن نیز ذکر شده، مفهوم «قوام» از زبان پیامبر (صلی الله علیه وآله) شرح شده است.

در این روایت که حسن بن فضل طبرسی فرزند طبرسی مشهور (د. ۵۴۸ هـ ق) در کتاب مکارم/لاخلاق نوشته آمده است که پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: «خَيْرُ الرِّجَالِ مِنْ أُمَّتِي الَّذِينَ لَا يَتَطَاوَلُونَ عَلَى أَهْلِيهِمْ وَيَجْنُونَ عَلَيْهِمْ وَلَا يَظْلِمُونَهُمْ ثُمَّ قَرَأَ الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» (طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۲۱۶-۲۱۷). بهترین مردان امت من کسانی‌اند که بر خانواده‌شان تعدی نمی‌دارند، به آنها محبت می‌نمایند و ستم نمی‌کنند، سپس آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» را تلاوت فرمود. روایت مشهور «کلکم راع» از پیامبر (صلی الله علیه وآله) در تأیید همین مضمون است. قسمت اصلی این روایت؛ «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» در روایاتی از ابو موسی اشعری (د. ۵۲ ق) و ابوسعید خدری (د. ۶۴ یا ۷۴ ق) ذکر شده (ابوعوانه، ۱۴۱۹، ح ۷۰۳۷ و ۷۰۳۸) اما تفصیل آن در روایت عبدالله بن عمر آمده است.

در قسمتی از روایت عبدالله بن عمر که در جوامع روایی معتبر ثبت شده آمده است: «وَالرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ». نمودار اسناد تعداد زیادی از نسخه‌های روایت ابن عمر در شکل (۴) مشاهده می‌شود. طبق این نمودار، چهار راوی این روایت را از ابن عمر نقل کرده‌اند؛ نافع مولی ابن عمر (د. ۱۷۱۷ق)، سالم پسر عبدالله بن عمر، عبدالله بن دینار، و زید بن اسلم. با توجه به نمودار اسناد و بررسی متن، عبدالله بن عمر حلقه مشترک واقعی، و نافع و عبدالله بن دینار حلقه‌های مشترک فرعی واقعی روایت هستند. از بررسی متن این نسخه‌ها مشخص است که قسمت «الرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ (أَهْلِهِ)» در تمام نسخه‌های روایت به جز نسخه‌های زهری تکرار شده است (برای مثال نک: احمد بن حنبل، ۱۴۲۱، ح ۴۴۹۵؛ ابن عبد بن حمید، ۱۴۲۵، ح ۷۴۵؛ بخاری، ۱۴۲۲، ح ۲۵۵۴ و ۷۱۳۸ و ۵۲۰۰؛ مسلم، بی تا، ح ۱۸۲۹-۲۰؛ ترمذی، ۱۳۹۵، ح ۱۷۰۵؛ ابوعوانه، ۱۴۱۹، ح ۷۰۲۷ تا ۷۰۴۰؛ ابن حبان، ۱۴۱۴، ح ۴۴۸۹).

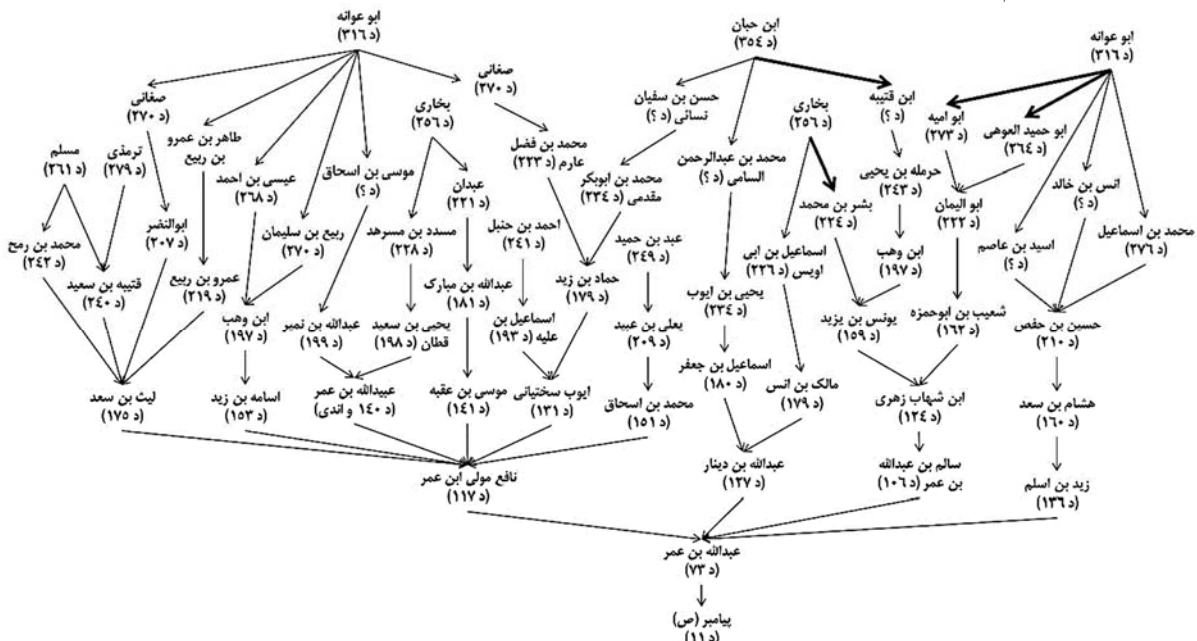
در نسخه‌های منقول از ابن شهاب زهری عبارت مذکور به صورت «الرَّجُلُ فِي أَهْلِهِ رَاعٍ» آمده که در نمودار (۴) با پیکان‌های ضخیم متمایز شده است. از آنجا که راویان دیگر ابن عمر این عبارت را به صورت «راع علی» بیان کرده‌اند، می‌توان گفت مسئول تغییر «علی» به «فی» در این عبارت، ابن شهاب زهری است. همچنین روایت دیگری با نسخه‌های متعدد موجود است که می‌گوید پیامبر <sup>(صلی الله علیه وآله)</sup> فرمود از هر کسی از آنچه در قبال آن مسئولیت دارد سؤال می‌شود. برای مثال، از انس بن مالک (د. ۹۳ق) روایت است که پیامبر <sup>(صلی الله علیه وآله)</sup> فرمود: «إِنَّ اللَّهَ سَائِلٌ كُلَّ رَاعٍ عَمَّا اسْتَرْعَاهُ، حَفِظَ ذَلِكَ أَمْ ضَيَّعَ، حَتَّى يَسْأَلَ الرَّجُلَ عَنْ أَهْلِ بَيْتِهِ» (ابوعوانه، ۱۴۱۹، ح ۷۰۳۶).

در مجموع، روایت عبدالله بن عمر را می‌توان در اواسط قرن اول تاریخ‌گذاری نمود. این روایت متقدم‌تر از روایت سبب نزول آیه ۳۴ نساء است و با توجه به اینکه در جوامع رسمی معتبر آمده و عبارت‌پردازی آن در بخش مورد نظر دچار تغییر نشده است، روایتی معتبر محسوب می‌شود. لذا برای دستیابی به معنایی متقدم‌تر برای «قوامون» می‌توان از این روایت استفاده نمود. «رعی» به معنای حفاظت، سرپرستی و نگهداری است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۵۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۲۹).

همچنین رعایت کردن به معنی حفظ کردن توأم با مراقبت، احساس مسئولیت و سرپرستی امور است و نقطه مقابلش اهمال و سستی است (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۴، ص ۱۷۲). عبارات روایت مکارم/لاخلاق در واقع تفصیل مفهوم «راع» در روایت «الرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ» است و بنابراین این دو روایت مؤید مضمون یکدیگرند. به عبارت دیگر واژه «راع» به درک معنای واژه «قوام» در آیه ۳۴ نساء کمک می‌کند زیرا هم‌پوشانی معنایی بالایی با واژه «قوام» دارد. قابل ذکر

است که در حدیث «کلکم راع» نیز از حرف اضافه «علی» برای «راع» استفاده شده اما برخلاف تصور عمومی درباره «قومون علی»، عبارت «راع علی» برای بیان برتری و سلطه نیامده است. حال اگر با در نظر گرفتن مفهوم «حفاظت» برای «قوم» روایت سبب نزول را بازنگری کنیم، با توجه به متأخر بودن عبارت پردازی این روایت، این احتمال مطرح می‌شود که رویداد گزارش شده به گونه دیگری بوده باشد.

برای مثال، چنانکه پیش‌تر بیان شد در نسخه سده‌ای از این روایت فقط سه عنصر متنی وجود دارد: کتک خوردن زن، شکایت به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، و نزول آیه. اگر روایت تنها شامل این سه عنصر باشد، دیگر مفهوم قصاص از آن برداشت نمی‌شود. با توجه به اینکه برداشت کلی از روایت این بوده که نزول آیه در مخالفت با چیزی در این واقعه بوده است، این احتمال وجود دارد که آیه در واقع آن مرد را در زدن همسرش تخطئه کرده باشد، نه شکایت‌کنندگان را برای گرفتن قصاص. چنانکه گفتیم این در گرو برداشت مفهوم «حفاظت» مرد از زن برای «قومون» است. زن در جامعه به حمایت و حفاظت مرد نیاز دارد و این مسئله در میان گذشتگان بیشتر ملموس بوده است. اینکه مرد زن را کتک زده باشد، عمل برخلاف این وظیفه و برخلاف عباراتی است که در روایت مکام/لااخلاق آمده است.



شکل (۴) نمودار اسناد روایت «الرجل راع علی اهل بینه» از عبدالله بن عمر (پیکان‌های ضخیم نشان‌دهنده عبارت «الرجل راع فی اهله» است)

### نتایج تحقیق

از بررسی نسخه‌های مختلف روایت سبب نزول آیه ۳۴ نساء حاصل شد که متقدم‌ترین متن روایت متعلق به حسن بصری (د. ۱۱۰ق) است، عبارت‌پردازی روایت، متأخر و دچار اشکالات کلامی است و بنابراین نمی‌تواند به‌عنوان پایه‌ای در تحلیل آیه ۳۴ نساء استفاده شود. این روایت در متون تفسیری متقدم شیعی نیامده است که نشانگر عدم اعتبار آن نزد مفسران متقدم شیعی است. به این دلیل و دلایل پیش‌گفته، عبارت‌پردازی روایت ابن‌اشعث به ائمه <sup>(علیهم‌السلام)</sup> قابل اسناد نیست.

همچنین بحث روایت سبب نزول با عبارت‌پردازی موجود به قصاص زوجین اشاره دارد و مفسران و فقهای متقدم نیز ذیل این بحث به آن توجه کرده‌اند. این برداشت از روایت مستلزم پذیرش مفهوم «مسلطون» از واژه «قوامون» است که برداشتی متأخر از آن است. اما با توجه به روایت معتبر و متقدم‌تر «کلکم راع»، واژه «قوام» می‌تواند با «راع» مترادف باشد و با توجه به روایت طبرسی در مکارم‌الاخلاق، منظور از «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» همان وظیفه حفاظت و حمایت مرد از زن یعنی محبت کردن و عدم ستم و تعدی به او است؛ وظایفی که با توجه به روایت انس بن مالک، مرد در قبال آنها بازخواست می‌شود.

از سوی دیگر، از آنجا که متن موجود از روایت سبب نزول به قسمت «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» از آیه اشاره دارد، متأثر از بحث «قوامیت» است و در نتیجه ربطی به بحث «وَاضْرُبُوهُنَّ» و تأیید یا انکار مفهوم «زدن» برای آن ندارد.

### کتاب‌نامه:

#### قرآن کریم.

آقای، سیدعلی (۱۳۸۹)، «پدیده حلقه مشترک در سندهای روایات: تبیین و تحلیل»، *مطالعات تاریخ اسلام*، سال ۲، شماره ۷.

آقای، سیدعلی (۱۳۹۰)، «تاریخ‌گذاری احادیث بر مبنای روش تحلیل ترکیبی اسناد-متن: امکانات و محدودیت‌ها»، *صحیفه مبین*، شماره ۵۰، صص ۱۰۳-۱۴۲.

آقای، سیدعلی (۱۳۹۴)، *تاریخ‌گذاری حدیث: روش‌ها و نمونه‌ها*، تهران: انتشارات حکمت.

ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹ق)، *تفه سیر القرآن العظیم*، محقق: طیب، اسعد محمد، ریاض: مکتبه نزار مصطفی‌الباز.

- ابن اشعث، محمد بن محمد (بی تا)، *الجعفریات*، محقق: فیضی، آصف، تهران: مکتبه النینوی الحدیثه.
- ابن حبان، محمد (۱۴۱۴ق)، *صحیح ابن حبان*، محقق: شعیب الأرئوط، بیروت: مؤسسه الرساله.
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵ق)، *دعائم الإسلام*، قم: مؤسسه آل البيت (علیه السلام).
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (بی تا)، *تفسیر القرآن العظیم*، محقق: شمس الدین، محمد حسین، دارالکتب العلمیه، بیروت: منشورات محمد علی بیضون.
- ابن منذر، محمد بن ابراهیم (۱۴۲۳ق)، *تفسیر القرآن*، المدینه المنوره: دارالمآثر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق) *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
- ابو عوانه، یعقوب بن اسحاق (۱۴۱۹ق)، *مستخرج ابی عوانه*، بیروت: دارالمعرفه.
- ابونعیم اصبهانی، أحمد بن عبدالله (۱۴۱۹ق)، *معرفة الصحابة*، محقق: عادل بن یوسف العزازی، الرياض: دارالوطن للنشر.
- احمد بن حنبل (۱۴۲۱ق)، *مسند الإمام أحمد بن حنبل*، محقق: شعیب الأرئوط - عادل مرشد، بیروت: مؤسسه الرساله.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۲ق)، *صحیح البخاری*، محقق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، بیروت: دار طوق النجاة.
- ترمذی، محمد بن عیسی (۱۳۹۵ق)، *سنن الترمذی*، محقق: أحمد محمد شاکر، محمد فؤاد عبدالباقی، ابراهیم عطوه، مصر: شركة مکتبه و مطبعة مصطفى البابي الحلبي.
- ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق)، *الکشف و البیان*، محقق: ابی محمد ابن عاشور، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جزری، ابن الأثیر (۱۴۱۵ق)، *أسد الغابة فی معرفة الصحابة*، محقق: علی محمد معوض - عادل أحمد عبدال موجود، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵ق)، *احکام القرآن*، محقق: قمحاوی، محمد صادق، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت: دارالقلم.
- راوندی، فضل الله بن علی (بی تا)، *النوادر*، محقق: صادقی اردستانی، احمد، قم: دارالکتاب.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ق)، *الدرالمشور فی التفسیر بالماثور*، قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی.

شریعت ناصری، زهره؛ صفری، علی؛ مهدوی‌راد، محمدعلی (۱۳۹۹)، «رویکرد مفسران به مواجهه سیاق با روایت در دلالت‌یابی آیات حوزه زنان (مطالعه موردی سوره نساء)»، *فصلنامه علوم حدیث*، شماره ۹۸، صص ۵۶-۷۸.

شیبانی، محمدبن حسن (۱۴۱۳ق)، *نهج‌البیان عن کشف معانی القرآن*، محقق: حسین درگاهی، قم: نشر الهادی.

صنعانی، عبدالرزاق بن همام (۱۴۱۱ق)، *تفسیر القرآن العزیز*، بیروت: دار المعرفه.

طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ق)، *مکارم الأخلاق*، قم: الشریف الرضی.

طبری، ابن جریر (بی تا)، *جامع البیان*، محقق: احمد محمد شاکر، قاهره: بی نا.

عبدبن حمید (۱۴۲۵ق)، *قطعه من تفسیر الامام عبدبن حمید*، بیروت: دار ابن حزم.

علی جانی، محسن (۱۳۸۹)، «بررسی تطبیقی قوامیت و تنبیه زنان در تفاسیر فریقین»، *پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم*، شماره ۶، صص ۱۲۱-۱۴۴.

غروی نائینی، نهله؛ مصطفوی فرد، حامد (۱۳۹۳)، «بررسی رویکرد مفسران در تفسیر آیه ۳۴ سوره نساء»، *فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، سال ۱۱، شماره ۲، صص ۵۳-۸۶.

فخررازی، محمدبن عمر (۱۴۲۰ق)، *التفسیر الکبیر*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، *العین*، قم: نشر هجرت.

فیروزآبادی، مجدالدین (۱۴۱۲ق)، *تنویرالمقباس من تفسیر ابن عباس*، بیروت: دارالکتب العلمیه.

فیروزآبادی، محمدبن یعقوب (۱۴۱۵ق)، *القاموس المحیط*، بیروت: دارالکتب العلمیه.

قرطبی، محمدبن احمد (۱۳۶۴ش)، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران: ناصر خسرو.

مجاهد بن جبر (۱۴۱۰ق)، *تفسیر الامام مجاهد بن جبر*، محقق: محمد عبدالسلام ابوالنیل، بیروت: دارالفکر الاسلامی الحدیثه.

مسلم نیشابوری، ابن حجاج (بی تا)، *المسند الصحیح*، المحقق: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بیروت: دارالکتب العلمیه.

مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق)، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، محقق: شحاته، عبدالله محمود، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

موتسکی، هارالد (۱۳۹۴)، *حدیث اسلامی: خاستگاه‌ها و سیر تطور*، به کوشش مرتضی کریمی‌نیا، قم: دارالحدیث.

نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم: مؤسسه آل‌البت (علیه السلام).

نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۱۵ق)، *خاتمه مستدرک الوسائل*، قم: مؤسسه آل‌البت (علیه السلام).  
واحدی، علی بن أحمد (۱۴۱۲ق)، *سبب نزول*، محقق: عصام بن عبدالمحسن الحمیدان، الدمام السعودیة: دارالإصلاح.

### **Bibliography:**

The Holy Quran.

Aghaei, Seyed Ali (2010), "The phenomenon of a common ring in the documents of narrations: explanation and analysis", *Studies in the History of Islam*, Volume 2, Number 7.

Aghaei, Seyed Ali (2011), "Dating hadiths based on the method of combined analysis of documents-text: possibilities and limitations", *Sahifa Mobin*, No. 50, pp. 103-142.

Aghaei, Seyed Ali (2015), *History of Hadith: Methods and Examples*, Tehran: Hekmat Publications.

Ibn Abi Hatim, Abdul Rahman Ibn Muhammad (1419 AH), *Tafsir Al-Quran Al-Azeem*, researcher: Tayyib, Asad Mohammad, Riyadh: Nizar Mustafa Al-Baz Library.

Ibn Ash'ath, Muhammad Ibn Muhammad (Bita), *Al-Ja'fariyat*, researcher: Faizi, Asif, Tehran: Al-Nawawi Hadith Library.

Ibn Hahban, Muhammad (1414 AH), *Sahih Ibn Huhban*, researcher: Shoab Al-Arnout, Beirut: Al-Risalah Foundation.

Ibn Hayyun, Nu'man Ibn Muhammad Maghribi (1385 AH), *Da'im al-Islam*, Qom: Al-Albayt Foundation (peace be upon him).

Ibn Kathir, Ismail Ibn Umar (Bita), *Tafsir Al-Quran Al-Azeem*, Researcher: Shams Al-Din, Mohammad Hussein

Ibn Munther, Muhammad Ibn Ibrahim (1423 AH), *Tafsir Al-Quran*, Al-Madinah Al-Munawara: Dar Al-Mathir.

Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Mukarram (1414 AH) *Language of the Arabs*, Beirut: Dar Sader.

Abu Awaneh, Yaqub Ibn Ishaq (1419 AH), *Abhar Awaneh*, Beirut: Dar al-Ma'rifah.

Abu Naeem Asbahani, Ahmad Ibn Abdullah (1419 AH), known as Al-Sahaba, researcher: Adel Ibn Yusuf Al-Azazi, Riyadh: Dar Al-Watan for publishing.



- Ahmad Ibn Hanbal (1421 AH), the seat of Imam Ahmad Ibn Hanbal, researcher: Shoaib Al-Arnout-Adel Murshid, Beirut: Al-Risalah Foundation.
- Bukhari, Muhammad ibn Ismail (1422 AH), Sahih al-Bukhari, researcher: Muhammad Zahir ibn Nasser al-Nasser, Beirut: Dar Tawq al-Najat.
- Tirmidhi, Muhammad ibn al-Isa (1395 AH), Sunnah al-Tirmidhi, researcher: Ahmad Muhammad Shakir, Muhammad Fouad Abd al-Baqi, Ibrahim Atwa, Egypt: Mustafa al-Babi School and Printing Company.
- Thalabi, Ahmad Ibn Muhammad (1422 AH), Al-Kashf wa Al-Bayyan, researcher: Abi Muhammad Ibn Ash'ur, Beirut: Dar Al-Haya Al-Tarath Al-Arabi.
- Jazri, Ibn al-Athir (1415 AH), Asad al-Ghabaab in the knowledge of the companions, researcher: Ali Muhammad Mu'awwad - Adel Ahmad Abd al-Mujud, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.
- Jasas, Ahmad Ibn Ali (1405 AH), Ahkam al-Quran, researcher: Qomhawi, Muhammad Sadiq, Beirut: Dar Ihya al-Tarath al-Arabi. The
- Ragheb Isfahani, Husayn Ibn Muhammad (1412 AH), Vocabulary of the words of the Qur'an, Beirut: Dar al-Qalam.
- Ravandi, Fazlullah Ibn Ali (Bita), Al-Nawadir, researcher: Sadeghi Ardestani, Ahmad, Qom: Dar al-Kitab.
- Siouti, Abd al-Rahman Ibn Nawabi Bakr (1404 AH), Al-Dar Al-Manthur in Tafsir Bal-Mathur, Qom: Ayatollah Marashi Najafi Public Library.
- زهره، شریعت ناسری، Safari, Ali; Mahdavidar, Mohammad Ali (1399), "The approach of commentators to the context with narration in the meaning of verses in the field of women (case study of Surah Nisa)", Quarterly Journal of Hadith Sciences, No. 98, pp. 56-78.
- Sheibani, Muhammad ibn Hassan (1413 AH), Nahj al-Bayyan on the discovery of the meanings of the Qur'an, researcher: Hussein Dargahi, Qom: Al-Hadi Publishing.
- Sanani, Abdul Razzaq Ibn Hammam (1411 AH), Tafsir Al-Aziz Quran, Beirut: Dar Al-Ma'rifah.
- Tabarsi, Hasan Ibn Fadl (1412 AH), Makarem اخ Ethics, Qom: Al-Sharif Al-Radhi.
- Tabari, Ibn Jarir (Bita), Jame Al-Albian, Researcher: Ahmad Muhammad Shakir, Cairo: Bina.
- Abdul Ibn Hamid (1425 AH), Excerpt from the Interpretation of Imam Abdul Ibn Hamid, Beirut: Dar Ibn Hazm. The
- Alijani, Mohsen (2010), "Comparative study of women's resilience and punishment in the interpretations of the two sects", Journal of Science and Knowledge of the Holy Quran, No. 6, pp. 121-144. The

- Gharavi Naini, Nahla; Mostafavifard, Hamed (2014), "Study of the approach of commentators in the interpretation of verse 34 of Surah An-Nisa'", Quarterly Journal of Research in Quranic and Hadith Sciences, Volume 11, Number 2, pp. 53-86.
- Fakhr al-Razi, Muhammad ibn 'Umar (1420 AH), Tafsir al-Kabir, Beirut: Dar al-Hayya al-Tarath al-Arabi.
- Farahidi, Khalil Ibn Ahmad (1409 AH), Al-Ain, Qom: Hijrat Publishing.
- Firoozabadi, Majdaldin (1412 AH), Enlightenment of the quotation from the commentary of Ibn Abbas, Beirut: Dar al-Kitab al-Almiya. The
- Firuzabadi, Mohammad Ibn Yaqub (1415 AH), Dictionary of the Environment, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya. The
- Qurtabi, Mohammad Ibn Ahmad (1364 AH), The Complete Rules of the Qur'an, Tehran: Nasir Khosrow.
- Mujahid ibn al-Jabbar (1410 AH), Tafsir al-Imam Mujahid ibn al-Jabbar, researcher: Muhammad Abdul Salam Abu al-Nil, Beirut: Dar al-Fikr al-Islami al-Hadith. The
- Muslim Neyshabouri, Ibn Hajjaj (Bita), Al-Musnad Al-Sahih, Al-Muhaqiq: Muhammad Fouad Abdul Baqi, Beirut: Dar Al-Ihyaa Al-Tarath Al-Arabi. The
- Mustafawi, Hassan (1430 AH), research on the words of the Holy Qur'an, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.
- The Fighter of Ibn Sulayman (1423 AH), Tafsir of the Fighter of Ibn Sulayman, Researcher: Shehata, Abdullah Mahmud, Beirut: House of the Revival of Arab Heritage.
- Motsky, Harald (2015), Islamic Hadith: Origins and Evolution, by Morteza Kariminia, Qom: Dar al-Hadith.
- Nouri, Husayn ibn Muhammad Taqi (1408 AH), Mustadrak al-Wasa'il wa Mustanbat al-Masa'il, Qom: Al-Bayt Foundation (peace be upon him).
- Nouri, Husayn ibn Muhammad Taqi (1415 AH), the end of the evidence, Qom: Al-Albay Foundation (peace be upon him). The
- One, Ali ibn Ahmad (1412 AH), the cause of revelation, researcher: Issam ibn Abd al-Muhsin al-Hamidan, Saudi Dammam: Dar al-Islah. The